

● دوره‌ی یازدهم ● آبان ۱۳۸۸
● شماره‌ی بی‌دری ۷۶ ● ۴۸ صفحه
● بهای ۳۰۰۰ ریال
● www.roshdmag.ir
● ISSN 1606-9226



روشن ماهنامه امور فرهنگی

ماهانده امور فرهنگی، اجتماعی، ادبی، علمی، تاریخی، هنری و ورزشی





عالمی ادبیات

نیایش

پروردگار!

دست مرا بگیر و نگذار خود را

و صفحہ‌ی سفید دلم را

بہ سیاہی گناہ الودہ کنم.

همان گونه کہ تاکنون بہ من نیکی کردی.

تا پایان زندگی نیز سایدی مہربانیات را

بر سرم تکہ دار.

مغناجہ الجنان، دعاۃ روز شنبہ

بسم الله الرحمن الرحيم

رشد آموزش زبان

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
«دوره‌ی پانزدهم» آبان ۱۳۸۸
«شماره‌ی بی‌ترین» ۷۶ × ۴۸ صفحه، بهای: ۲۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه‌ریزی: جعفر ربانی، منصور ملک‌عباسی و
علی‌اصغر جعفریان
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: پریسا سمندسی
نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۷۹
تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۴۴۷۵۷
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۷
پایگاه اینترنتی: www.roshdmag.ir
رایانامه: rahnamayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۹۲۳۲ و ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵ ۷۷۳۳۶۶۵۶
شمارگان: ۲۰۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- ایجاد سؤال در ذهن دانش‌آموزان / محمدرضا حشمتی / ۲
اگر دل دلیل است ... / قیصر امین‌پور / ۳
نقش زبان در کلاس درس / دکتر لیلا سلیقه‌دار / ۴
سلامت پوست / احمد مختاریان / ۷
قدیمی‌ترین جشنواره‌ی فیلم ایران / خورشید محمدی / ۸
انگیزه‌ی مطالعه و پژوهش / سیمین جهانی / ۱۱
تربیت برای زندگی / حجت‌الاسلام عباس پسندیده / ۱۲
آزادی و اختیار / دکتر یدالله سعیدنیا / ۱۴
شناخت مغز / سمیه سیفی / ۱۷
آموزش انتقادی ریاضیات / زهرا حاجی آخوندی / ۱۸
آقا، شما خیلی خوب هستید! / سید ابراهیم حسینی / ۲۰
هفت گناه من / سید عبدالحمید میرحسینی / ۲۲
اندر حکایت دبیران بی‌مطالعه / مهدی رضائیان / ۲۴
مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران / نصرالله دادار / ۲۶
تفسیر «من» از من / نیکو منفرد / ۲۹
سه رفتار ممنوعه! / پروین داعی‌پور / ۳۰
میراث فرهنگی ایرانیان - تاریخ علم برای نوجوانان / فاطمه محمودیان / ۳۳
تفسیر لبخند / احمد عربلو / ۳۴
سهرابه شاعر آب / جعفر ربانی / ۳۶
مدرسه‌ی جدید مبارک! / علیرضا کاردانبور / ۳۸
آموزش و پرورش در پاکستان / طیبه الدوسی / ۴۲
در مجله‌ی رشد نوجوان چه خبر؟ / ۴۵
پوشش مسئولان، پاسخ شما / ۴۵
نور و عکاسی / طیبه رحیمی / ۴۶
استاد آن‌لاین / ریحانه جعفری / ۴۷
سؤال از شما، پاسخ از مسئولان / ۴۸



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

قابل توجه نویسندگان و
مترجمان محترم:
- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند.
- نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلید واژه‌ها) از متن استخراج شوند.
- مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژهای فرعی در متن و سونیتور باشد.
- معرفی نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.
- مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبنی بر رای و نظر مسئولان مجله نیست.

ایجاد سؤال در ذهن دانش آموزان

محمد رضا حشمتی



رشد آموزش
انسانی
تحصیلی

مدتی است در ادبیات علم مدیریت واژه‌ی «سرمایه‌ی انسانی» را بیشتر از واژه‌ی «نیروی انسانی» به کار می‌برند. از طرفی همه می‌دانیم که نهاد آموزش و پرورش تأمین کننده و تربیت کننده‌ی نیروی انسانی «عاقل و متفکر» است. مدرسه جایی است که می‌تواند به ارزش افزوده‌ی این سرمایه‌ی انسانی اضافه کند. مدرسه با توجه به تفاوت‌های فردی، از طریق شناخت استعدادها، می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد. زمینه‌های لازم برای پرورش این استعدادها، مطالعه و روش‌های مطالعه است. مدرسه نقش بسیار مهمی در بالفعل کردن دانش آموزان با کتاب، مطالعه و روش تدریس، دانش آموزان را از این روش‌ها آشنا کردن می‌توانیم با تغییر در روش تدریس، حالت فعال ارتقا دهیم. می‌توانیم با دوستان! ما معلمان می‌توانیم با تفسیر در روش تدریس، دانش آموزان را از حالت منفعل در فرایند یاددهی - یادگیری به حالت فعال ارتقا دهیم. می‌توانیم با ایجاد سؤال در ذهن دانش آموزان برای انجام این مسئولیت ارزشمند از همکاری منابع دانش - کتاب‌های سوق دهیم. در انجام این مسئولیت ارزشمند از همکاری را به سمت مطالعه سبک محروم شویم. کتابدار مدرسه یار همیشگی ما برای تحقق کتابداران محترم نباید محروم شویم. کتابدار مدرسه یار همیشگی ما برای تحقق به هر مدرسه‌ای شرط و شروطی دارد که به راحتی میسر نمی‌شود. ولی به نظر می‌رسد تحقق این امر بستگی به عوامل زیر دارد:

- ایجاد و تجهیز کتابخانه‌های غنی و به روز در مدارس کشور؛
- استفاده از کتابدار متخصص و دلسوز در مدارس؛
- ایجاد فضای تعامل سازنده بین معلمان و کتابداران؛
- همکاری معلمان، اگر شما شاهد تجربه‌ی مفیدی در ارتباط با نقش فعال کتابخانه‌های مدارس، کتابداران دلسوز و هم‌چنین روش‌های فعال کردن دانش آموزان برای مطالعه و استفاده کنید. امید است با توجه جدی همه‌ی مسئولان آموزش و پرورش، شاهد ارزش افزوده‌ی کثیف بیشتری برای سرمایه‌های انسانی کشور عزیزمان ایران باشیم.





سرایا اگر زرد و پژمرده‌ایم
ولی دل به پاییز نسپرد‌ایم

چو گل‌دان خالی، لب پنجره
پر از خاطرات ترک خورده‌ایم

اگر داغ دل بود، ما دیده‌ایم
اگر خون دل بود، ما خورده‌ایم

اگر دل دلیل است، آورده‌ایم
اگر داغ شرط است، ما برده‌ایم

اگر دشمنی دشمنان، گردنیم!
اگر خنجر دوستان، کرده‌ایم!

گواهی بخواهید، اینک گواه:
همین زخم‌هایی که تشرده‌ایم!

دلی سربلند و سری سر به زیر
از این دست عمری به سر برده‌ایم

اگر دل دلیل است...

قیصر امین‌پور (۱۳۸۶-۱۳۳۸ ه.ش)
شاعر و استاد دانشگاه

قیصر در گتوند، از توابع دزفول، متولد شد. دیپلم خود را در همان‌جا گرفت و به تحصیل در رشته‌ی پزشکی پرداخت. اما آن را رها کرد و رشته‌ی جامعه‌شناسی را برگزید. باز هم در این رشته نماند و به ادبیات فارسی روی آورد و تا مرحله‌ی دکترای با نوشتن پایان‌نامه‌ای با درجه‌ی عالی، فارغ‌التحصیل شد.

امین‌پور از شاعران طبیعه‌ی انقلاب اسلامی بود. اولین فعالیت‌های شعری و ادبی خود را در «حوزه‌ی اندیشه و هنر اسلامی» که بعدها «حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی» نام گرفت، شروع کرد و اشعارش خیلی زود مورد توجه قرار گرفت. شعری برای جنگ او، از بهترین اشعاری است که تاکنون درباره‌ی جنگ تحمیلی سروده شده است. امین‌پور هم در حوزه‌ی بزرگسالان و هم در حوزه‌ی نوجوانان، آثاری پدید آورده است: تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، آینه‌های ناگهان، گل‌ها همه آفتاب‌گردان‌اند و دستور زبان عشق. امین‌پور در آبان‌ماه ۱۳۸۶ در پی بیماری درگذشت و در زادگاهش گتوند به خاک سپرده شد.

فرهنگنامه‌ی نام‌آوران، تهران: نشر طلائع، ۱۳۸۷.

اشاره

در شماره‌ی پیش، هوش‌های چندگانه را معرفی و به جایگاه آن در آموزش به اختصار اشاره کردیم. از جمله نکات قابل توجه در مقوله‌ی هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری، تأثیر به کارگیری و توجه به آن‌ها در افزایش یادگیری و کنترل رفتارهای دانش‌آموزان است. از این رو، لسل‌هارت^۱ نظریه پرداز و متخصص در حوزه‌ی تعلیم و تربیت می‌گوید: «مدیریت، انضباط و مقررات، عصبانیت شدید معلم و ناکامی‌های دانش‌آموزان، همه، مشکلات اصلی شیوه‌ی معلم‌محوری هستند. به دانش‌آموزان اجازه دهید و آنان را تشویق کنید تا از مغز خود برای یادگیری استفاده کنند. در این صورت، نتایج حاصل حیرت‌انگیز خواهد بود» [Hart, 1981]. به نظر می‌رسد، این قبیل نظریات که از مطالعات گوناگون برآمده است، بالاترین انگیزه را برای جلب توجه معلمان به هوش‌های چندگانه (که در این جا به تعبیری با عنوان مغز از آن یاد شده است)، ایجاد می‌کند. در این شماره، یک دسته از هوش‌های چندگانه را معرفی می‌کنیم. به این منظور، قسمت‌هایی از طرح درس‌های نمونه را نیز می‌آوریم.

کلیدواژه‌ها: هوش زبانی، هوش چندگانه، معلم

نقش زبان در کلاس درس

دکتر لیلا سلیقه‌دار



دیرتر درس تعلیمات اجتماعی سال اول دوره ی راهنمایی تحصیلی، تصمیم می گیرد ضرورت و اهمیت «از خودگذشتگی» (درس ۱۲ کتاب) را به شیوه ی خاصی به فراگیرندگان خود آموزش دهد. او داستانی می نویسد. در این داستان، اعضای خانواده شامل پدر، مادر و دو فرزند آن ها، چندان نگران یکدیگر نیستند و به خاطر هم، کاری انجام نمی دهند. داستان به گونه ای طراحی شده است که خستگی های ناشی از کار پدر، غمگینی مادر به خاطر بیماری سختی که مدت ها است با آن دست به گریبان است، قهر طولانی برادر و خواهر که هیچ کدام حاضر به عذرخواهی از یکدیگر نیستند را با تأکید نشان می دهد. در قسمتی از داستان، معلم مکث می کند و از فراگیرندگان می خواهد که به انتخاب خود، هر یک به جای یکی از شخصیت های داستان قرار بگیرند و احساس خود را بنویسند. داستان ادامه می یابد و پیش از آن که به نقطه ی اوج خود برسد، معلم از بچه ها می خواهد ادامه ای را برای آن پیش بینی کنند.

در این شیوه، معلم به هوش زبانی^۲ بسیار توجه کرده است. هوش زبانی که یکی از هوش های چندگانه است، به معنی توانایی به کارگیری درست لغات، به صورت شفاهی (مثلاً از سوی داستان گو و سخن ران) یا به صورت نوشتاری (از سوی شاعر، نمایش نامه نویس، ویراستار یا روزنامه نگار و...) است. این هوش، توانایی به کارگیری ماهرانه ی نحو (ساختار زبان)، آواشناسی (صدا های زبان)، معناشناسی (معنای زبان) و جنبه های عملی (کاربردهای عملی زبان) را شامل می شود. برخی از این کاربردها عبارت اند از: به کارگیری زبان برای متقاعد کردن دیگران تا شیوه ی خاصی را در عملکردهای خود به کار گیرند؛ استفاده از زبان برای به خاطر آوردن اطلاعات؛ به کارگیری زبان برای آگاهی بخشیدن؛ و بالاخره به کارگیری زبان برای صحبت کردن از خود زبان.

بدیهی است، معلم نیز مانند هر انسانی واجد هوش های چندگانه است و احتمالاً چند نوع هوش در او، بیش از سایر موارد رشد کرده و امکان شکوفایی داشته است. تعیین ماهیت و کیفیت این هوش ها و یافتن روش هایی برای توسعه ی آن ها در زندگی شخصی معلم، یکی از گام های اساسی در استفاده از تئوری هوش های چندگانه در کلاس درس است. به عبارت دیگر، معلمی که نسبت به ماهیت و کیفیت هوش و توانایی های خود مطلع است، به همان اندازه، اهمیت توجه به توانایی های هوشی را شناخته و در خصوص همه ی فراگیرندگان خود،

به این نکته توجه می کند. البته تاکنون هیچ آزمونی برای شناسایی میزان رشد هر یک از هوش ها طراحی نشده است که جامع و کامل باشد و مورد تأیید صاحب نظران قرار گیرد. لیکن سوالات و نکاتی وجود دارند که هر کدام می توانند بخشی از طیف وسیع توانایی های انسان را ارزیابی کنند. برای مثال، در بخش هوش زبانی، بررسی موارد زیر در درون خود، می تواند روشنگر ماهیت و کیفیت هوش زبانی باشد:

- به کتاب و کتاب خوانی علاقه ی فراوان دارم.
- گوش دادن به رادیو یا نوار مکالمه، نسبت به دیدن تلویزیون یا فیلم، موارد بیش تری را به من می آموزد.
- از انواع بازی هایی که با کلمه ها انجام می شوند، لذت می برم.
- به سرگرمی های زبانی علاقه دارم.
- دروسی مانند فارسی، زبان انگلیسی و عربی و نیز اجتماعی و تاریخ را نسبت به ریاضی و علوم آسان فرامی گیرم.
- یادگیری مکالمه و خواندن زبان دوم تقریباً برای من ساده است.
- در مکالمات خود، غالباً لغاتی را به کار می برم که قبلاً آن ها را خوانده و یا شنیده ام.
- گاهی مطالبی می نویسم که به خاطر آن ها بسیار احساس غرور می کنم. این نوشته ها مرا از دیگران متمایز می کند.

حال در صورتی که پاسخ معلمی به موارد بالا نشانگر آن باشد که از توانایی کلامی بالایی برخوردار نیست، آیا این به معنای آن است که در کلاس درس وی، توجه نکردن به هوش کلامی اجتنابناپذیر است؟ در این حالت چه راهی وجود دارد؟

در پاسخ باید گفت، ممکن است تا پیش از آگاهی یافتن از این موضوع، توجه کمتری به استفاده از هوش کلامی در کلاس درس صورت می گرفته است، اما هنگامی که معلم از این نکته آگاه می شود، می تواند با استفاده از متون نویسندگان، داستان های موجود، توانایی های دانش آموزان و یا دعوت از مهمانانی که در این ارتباط از هوش بالایی برخوردار هستند، مانند شعرا، روزنامه نگاران، مجریان و... فعالیت هایی تکمیلی انجام دهد و از این توانایی فراگیرندگان خود، برای یادگیری بیشتر و عمیق تر آنان بهره گیرد.

برای شناخت دانش آموزان دارای هوش زبانی بالا، کافی است به نوشته ها و گفتار آن ها توجه داشته باشیم.

**معلم نیز
مانند هر
انسانی واجد
هوش‌های
چندگانه است
و احتمالاً چند
نوع هوش در
او، بیش از سایر
موارد رشد
کرده و امکان
شکوفایی داشته
است**

بی‌نوش

1 Leslie Hart
2 Linguistic Intelligence

فراگیرندگانی که در این گروه قرار می‌گیرند، معمولاً با دیگران به روش کلامی ارتباط برقرار می‌کنند، می‌توانند اسمی مکان‌ها، تاریخ‌ها و جزئیات را به خوبی به حافظه‌ی خود بسازند، کلمه‌ها را به درستی ادا می‌کنند و نسبت به سن خود، خوب می‌نویسند. البته سایر ویژگی‌هایی که بیش از این در مورد معلمان مطرح شد نیز در مورد آن‌ها صدق می‌کند.

به مثال دیگری در زمینه‌ی هوش کلامی توجه کنید. معلمی برای آموزش انتقال گرما در درس علوم، سه منظره از یک مرکز خرید را ترسیم می‌کند. این سه تصویر، سه زمان متفاوت را نشان می‌دهد: یکی در ساعت‌های اولیه‌ی یک روز معمولی، دیگری عصر یکی از روزهای میانی هفته و سومین عصر یکی از روزهای پایانی سال. بدیهی است که در تصویر اول، تعداد بسیار اندکی از مراجعان در مرکز خرید هستند، در تصویر دوم این تعداد بیشتر است و در تصویر سوم جمعیت زیادی مشغول خرید و یا نمایش ویتترین فروشگاه‌ها هستند.

معلم با نمایش دادن تصاویر، از آن‌ها می‌خواهد، در مورد آن‌ها داسناتی تعریف کنند و با خاطره‌ی خود را از روزهای خرید بگویند. هم‌چنین خود را در یک مرکز خرید و در زمان‌های متفاوت، مانند وقتی که فراد کمی در آن‌جا حضور دارند و یا زمانی بسیار شلوغ نجسم کنند و بگویند که در این صورت چه احساسی خواهند داشت؟ سپس معلم می‌پرسد: «به نظر شما فرادی که در فروشگاه هستند، در کدام حالت بیشتر احساس گرما می‌کنند؟ چرا؟» در این مرحله، معلم می‌تواند سنوالاتی از این دست طرح کند.

پس از طرح این مقدمه‌ی ملموس، توجه دانش‌آموزان را به تصاویری از شکل مولکول‌ها در سه حالت مایع، جامد و گاز جلب می‌کند و از فراگیرندگان می‌خواهد، شباهت هر تصویر را با تصویر مرکز خرید بسازند و نتیجه‌ی این مقایسه را شرح دهند. به این ترتیب، به موضوع انتقال گرما به روش رسانایی و تفاوت آن در سه حالت ماده می‌پردازد.

تأکید معلم بر بیان افکار دانش‌آموزان، بیان خاطرات و داستان‌ها، ارتباط دادن تصاویر با یکدیگر و طرح آن از طریق کلام و نوشته، همگی روش‌هایی هستند که به نوعی هوش کلامی فراگیرندگان را مخاطب قرار داده‌اند. در دو سناریوی یاد شده، هنگامی که معلم از دانش‌آموزان دعوت می‌کند احساس خود را در موقعیت‌های مورد نظر پیدا کنند، در واقع از این طریق، **هوش درون‌فردی** فراگیرنده را نشانه گرفته است.

علاوه بر به کارگیری شیوه‌های مبتنی بر هوش زبانی در تدریس، در سایر زمینه‌ها، از جمله اداره‌ی کلاس درس نیز می‌توان از آن سود جست. برای مثال، هنگامی که معلم قصد دارد توجه دانش‌آموزان را به خود جلب کند، روی بایلو می‌نویسد: «لطفاً توجه کنید!» در این حالت، او با تکیه بر هوش زبانی، دانش‌آموزان را به حضور فعال بر در کلاس درس دعوت می‌کند. دو مثال معنی که قوانین کلاس خود را به زبان ساده روی یک برگه می‌نویسد و بر دیوار کلاس نصب می‌کند و هم‌چنین، گفت‌وگو با دانش‌آموزی که دچار مشکل حاحی است و ترغیب وی برای مطالعه‌ی کتاب‌هایی که می‌تواند به حل مشکل وی کمک کند، بر به کارگیری و نشانه‌گیری هوش زبانی مبتنی است.



آیا تاکنون برایتان اتفاق افتاده است که پوست دست‌ها، به ویژه اطراف ناخن‌هایتان، پوسته پوسته شود؟ و آیا گاهی این مشکل با خارش توأم بوده است؟ و آیا در صورت مراجعه به پزشک و یا با خودتان گفته‌اید، پائیز که می‌شود، دستم پوسته پوسته می‌شود، پس به تغییر فصل حساسیت دارم؟

همه‌ی این‌ها گویای حساسیت پوست شما به گرد و غبار و خاک و به‌ویژه «گچ» است. مشکل حساسیت به گچ، میان تعدادی از مربیان و معلمان وجود دارد و علائم آن عبارت‌اند از:

۱. پوسته پوسته شدن پوست اطراف ناخن‌ها؛

۲. خارش پوست (البته در حالات شدید خارش دیده می‌شود).

در طول تابستان که معمولاً برخورد با گچ وجود ندارد، این علائم‌ها یا شدیداً کاهش می‌یابند یا کاملاً از بین می‌روند. برای درمان و کشف علت اصلی، باید به پزشک به‌ویژه متخصص پوست مراجعه کرد، زیرا علاوه بر حساسیت به گچ، حساسیت به مواد دیگر و یا کاهش ویتامین‌های A و D و یا افزایش آن‌ها و برخی بیماری‌های داخلی نیز باعث بروز این مشکل می‌شود که حتماً پزشک باید آن را بررسی کند.

پس، به توصیه‌های زیر توجه کامل کنید:

- از هیچ‌گونه کرم، پماد و یا ترکیبات دیگر، بدون مشورت با پزشک، استفاده نکنید.
- از دست‌کش‌های پلاستیکی و یا پارچه‌ای (هنگام نوشتن یا گچ و یا پاک کردن تخته) استفاده کنید.

● تا حد امکان از نوشتن‌های غیرضروری بپرهیزید.

● پاک کردن تخته را به دانش‌آموزانی که حساسیت ندارند، واگذارید.

● از کندن پوست اطراف ناخن خودداری کنید.

اما بهترین و آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش این است که با توضیح مطلب به مدیر مدرسه، تقاضای تهیه‌ی گچ‌های استاندارد شده‌ی فاقد حساسیت را بدهید. ضمناً، پس از خروج از کلاس، دست‌ها را بدون استفاده از صابون بشوید.

در پایان یادآور می‌شود، معمولاً برای چنین معلمانی تخته وایت‌برد و ماژیک‌های مربوط به آن‌ها، مفید است، اما چون این کار کارکرد آموزشی را در ابعاد گوناگون کاهش می‌دهد، بهتر است اصرار خود را بر استفاده از گچ‌های استاندارد و غیرحساسیت‌زا متمرکز کنیم.

پائیز که می‌شود
دستم پوسته
پوسته می‌شود،
پس به تغییر
فصل حساسیت
دارم

سلامت پوست

احمد مختاریان

قدیمی ترین جشنواره فیلم ایران

گفت و گو با حمیدرضا کفاش، دبیر جشنواره بین المللی فیلم رشد

اشاره

به همراه سر دبیر و طبعه رحیمی، عکاس مجله، باحمید رضا کفاش، معاون فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش نه مصاحبه، که به گفت و گویی صمیمانه و دوستانه نشستیم. در همان اول گفت و گو، ناباورانه از قدمت و اهمیت این جشنواره بین المللی مطلع شدیم. شاید شما هم ندانید که: جشنواره بین المللی رشد، قدیمی ترین و در واقع اولین جشنواره فیلم در ایران است! جشنواره ای رشد، جشنواره ای تخصصی است که در زمینه های آموزشی، علمی- تربیتی و با مدیریت وزارت آموزش و پرورش، هر ساله در آبان ماه به مدت یک هفته برگزار می شود.

این جشنواره ۴۶ سال پیش نخستین بار در سال ۱۳۴۲ توسط اداره فعالیت های سمعی و بصری آغاز به کار کرد و ۳۹ دوره ای آن برگزار شده است.

نمودار تشکیلات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (وزارت آموزش و پرورش)



رشد آموزش
اهداسی
نحسلی



جشنواره‌ی رشد در ابعاد وسیع و بزرگی مجموعه فیلم‌های علمی، آموزشی، تربیتی و داستانی را در قالب‌های گوناگون داستانی، مستند، کلیپ و... پوشش می‌دهد

● **ایا کار و نقش جشنواره در همین مدت زمان و ابعاد نمایش، به اتمام می‌رسد؟**

○ خیر. از این نظر هم جشنواره‌ی رشد یک استثناست. جشنواره‌ی رشد یک هفته کلید اکران عمومی می‌خورد اما بعد از آن کار ما هم‌چنان با شور و هیجان و تلاش ادامه دارد به این ترتیب که بعد از اختتامیه، از هر استان دو نماینده دعوت می‌کنیم تا فیلم‌های مناسب برای اکران در استان خودشان را کارشناسی کنند سپس به مدت یک هفته، جشنواره‌ی استانی فیلم رشد در هر استان برگزار می‌شود که معمولاً در استان‌های محروم با استقبال بیشتری روبه‌رو شده است.

حرکت خیلی خوبی که سال گذشته انجام شد و درواقع پیشنهاد خود مسئولان و کارشناسان تربیتی بود، نمایش هم‌زمان فیلم رشد در زمان جشنواره در مراکز و دانشگاه‌های علوم تربیتی بود که با استقبال بسیار روبه‌رو شد و دانشجویان و تماشاگران، گاه در کنار سازندگان، فیلم‌ها را دیدند و پس از نمایش به نقد آن‌ها نشستند.

● **همان‌طور که گفتید، مدت ۳۹ دوره‌ی برگزاری جشنواره و جذب فیلم‌های آموزشی بسیار، به قراهم شدن گنجینه‌ی بزرگی از فیلم‌های آموزشی انجامیده است. ایا دسترسی به این فیلم‌ها، حق معلم و دانش‌آموز و مخاطبانی از این دست نیست؟**

○ عرض کردم. این نقدی است که ما غالباً در سطوح بالایی مدیریت هم با آن روبه‌رو هستیم. می‌گویند این همه هزینه (در پراتز) بگویم که جشنواره‌ی رشد جزو کم‌هزینه‌ترین جشنواره‌هاست، برو بیا و تبلیغات، به چه کار معلم و دانش‌آموز می‌آید.

مثالی بزنم و آن شباهتی بین کار ما و شماست. شما برای معلم و دانش‌آموز مجله چاپ می‌کنید. این که مطالب شما در فرایند آموزش تأثیر می‌گذارد یا خیر، دیگر از محدوده‌ی کار شما خارج است.

کارکرد جشنواره هم معلوم است. ما با سختی هزار فیلم را از سراسر دنیا جمع می‌کنیم و ابتدا در جشنواره و بعد در استان‌ها نمایش می‌دهیم. سپس فیلم به قول شما به گنجینه‌ی ما اضافه می‌شود. اما بعد از برگزاری، گروه‌ها و نیروهای بسیاری باید قدم به عرصه بگذارند و برای استمرار تأثیرات فرهنگی آموزشی سرمایه‌گذاری کنند.

● **مجموعه‌ای که مسئول برگزاری جشنواره است، در گذشته دفتر تکنولوژی آموزشی بود که در حال حاضر با عنوان «معاونت فناوری» و وسعت و ارتقای جایگاه یافته است. یکی از دفترهای این معاونت مسئول برگزاری جشنواره است. ایا دفترهای دیگر نمی‌توانند و نباید مسئول عمومی کردن گنجینه‌ی فیلم‌های آموزشی باشند؟**

● **جشنواره‌ی فیلم رشد، به عنوان جشنواره‌ی فیلم‌های آموزشی، پیش از هر مخاطب دیگری، به معلمان و دانش‌آموزان تعلق دارد. چه گفتنی‌هایی از اهمیت و ابعاد جشنواره برای معلمان دارید؟**

○ جشنواره‌ی رشد قدیمی‌ترین جشنواره‌ی کشور است که امسال سی و نهمین دوره‌ی تولدش را جشن می‌گیرد. از ایران دو فستیوال در دنیا به ثبت رسیده که یکی از آن‌ها جشنواره‌ی رشد است و یکی هم جشنواره‌ی فیلم کودک و نوجوان که به نام اصفهان معروف است. آموزش و پرورش‌ها بنیان‌گذار اولین جشنواره‌ی فیلم در ایران بودند و حتی نام جشنواره را وزیر وقت آموزش و پرورش، دکتر خالری، به جای واژه‌ی فستیوال، پیشنهاد کرده است.

● **این جشنواره در چه بخش‌هایی برگزار می‌شود؟**

○ جشنواره‌ی رشد ابعاد وسیع و بزرگی مجموعه فیلم‌های علمی، آموزشی، تربیتی و داستانی را در قالب‌های گوناگون داستانی، مستند، کلیپ و... پوشش می‌دهد. از حدود پنج سال قبل، جشنواره‌ی فرعی به آن اضافه شد به نام «جشنواره‌ی فیلم دانش‌آموزان» که از حرکت‌های بسیار ارزشمند محسوب می‌شود.

● **معلمان و دانش‌آموزان، خانواده‌ها و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت مخاطبان فیلم‌های آموزشی، علمی، تربیتی، هستند. سازندگان این نوع فیلم‌ها چه کسانی هستند؟**

○ هنرمندان و فیلم‌سازان عرصه‌های گوناگون که در فراخوان‌هایی که می‌دهیم، می‌توان گفت فیلم‌هایشان را با اعتماد بسیار در اختیار ما قرار می‌دهند. خوش‌بختانه جمع هنرمندان و فیلم‌سازان هم مانند دیگر گروه‌ها احترام و اعتماد خاصی به آموزش و پرورش قائل هستند.

● **از مجموع فیلم‌های رسیده به دبیرخانه‌ی جشنواره، کدام فیلم‌ها در فهرست نمایش قرار می‌گیرند؟**

○ در مرحله‌ی جذب، تعداد زیادی فیلم به دست ما می‌رسد و آرشیو می‌شود. اما در مرحله‌ی نمایش، در کشور ما نمایش عمومی ضوابطی دارد. در این مرحله، مقررات وزارت ارشاد و ملاک‌های نمایش به میان می‌آید و بسیاری از فیلم‌ها به عنوان فیلم آموزشی برای مخاطبان تخصصی آرشیو می‌شود، اما امکان نمایش عمومی پیدا نمی‌کند.

● **فیلم‌های جشنواره در چه مدت زمان و در کجاها به نمایش درمی‌آید؟**

○ فیلم‌ها هر ساله در آبان‌ماه و به مدت یک هفته، در چند سینما در تهران به نمایش درمی‌آیند. امسال جشنواره روز هشتم آبان‌ماه، مصادف با میلاد امام رضا(ع) افتتاح می‌شود و تا جمعه‌ی بعد که برنامه‌ی اختتامیه است، ادامه می‌یابد.

ما باید بسته‌های آموزشی به مدارس بفرستیم و برای تهیه این بسته‌ها، قطعاً باید کار گروهی انجام داد

○ ببینید این کار جشنواره نیست، به‌طور قطع، دفتر دیگری هم از این معاونت نمی‌تواند و حتی به لحاظ کارشناسی قادر نیست که ارتباط هزار و چند فیلم را با برنامه‌ی درسی پیدا کند. بلکه کارشناسان برنامه‌های درسی، در همکاری و گروه شش با ما می‌توانند فیلم‌ها را طبقه‌بندی کنند. چند سال است که من به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی اعلام کرده‌ام مثلاً ۱۰۰۰ دقیقه فیلم آموزشی علوم داریم، مؤلفان و کارشناسان را بفرستید این فیلم‌ها را ببینند، تبدیل به وی‌سی‌دی کنند و با یک بسته‌ی آموزشی به مدارس بفرستند اما دوستان می‌گویند، امکان این کار وسیع و پرهزینه را نداریم. اگر اول مهر کتاب را بفرستیم، مملکت به هم می‌ریزد و وزیر عوض می‌شود، اما اگر فیلم آموزشی نباشد، اتفاق مهمی نمی‌افتد.

● تأثیر فیلم‌های آموزشی را بر روند آموزش، اگر خیلی‌ها ندانند، مخاطبان اصلی آن خوب می‌دانند. ولی آن‌ها نمی‌دانند چه‌طور به این گنجینه دست یابند. واقعاً اکثر معلمان نمی‌دانند فیلم مورد نیاز خود را حتی با بودجه و زحمت خودشان چگونه پیدا کنند.

○ بله، حب ما فیلم‌های آموزشی با محتوا و موضوعات گوناگون مناسب با برنامه‌ی درسی چند دوره را در اختیار داریم. اما کار جشنواره، بازیگری فیلم‌ها و کشف ارتباط آن‌ها با برنامه‌ی درسی نیست.

● کار جشنواره نیست، اما کار چند تیم تشکیلاتی می‌تواند باشد. آیا تا رسیدن به شرایط ایده‌آل، نمی‌توان برای بر کردن خلا موجود از راه‌های دیگری استفاده کرد؟

○ ببینید، ما بودجه‌ی خاصی برای کارشناسی و تهیه فیلم‌ها نداریم. با چند بخش خصوصی وارد مذاکره شده‌ایم. حاضریم برای واگذاری این فیلم‌ها یا به قول شما گنجینه، هزینه و قیمتی هم دریافت نکنیم. اما حتی برای به بیجه رسیدن این طرح هم مشکلاتی داریم.

● در حال حاضر اگر سازمان استان‌ها یا مناطق، مدارس و یا حتی یک معلم، شخصاً به شما رجوع کند، می‌تواند فیلم مورد نیازش را دریافت کند؟ یا فهرستی را برای شناخت و جست‌وجوی فیلم‌های مورد نیازش، مطالعه و انتخاب کند؟

○ بله، حتماً و ما استقبال می‌کنیم. مشکلی از این لحاظ نداریم و می‌توانیم فیلم‌ها را در اختیار قرار دهیم.

● شما کار مجلات رشد و دفتر انتشارات کمک‌آموزشی را در انتشار یک رسانه، مشابه کار جشنواره عنوان کردید. ما هم راه‌حلی مشابه را می‌توانیم مطرح کنیم؟

○ بله، حتماً خوش‌حال می‌شویم. گفتیم که ما معتقدیم و می‌دانیم بسیاری از کارها را به تنهایی و در این معاونت نمی‌توانیم انجام بدهیم و نیاز هست که تیم‌هایی از سازمان‌ها و دفاتر ستادی، با ما همراه شوند تا فیلم آموزشی جای خود را در فرایند آموزش باز کنند.

● طرح کتابخانه‌ی رشد می‌تواند الگوی خوبی در این زمینه باشد. هر ساله دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، کتابی را شامل فهرست کتاب‌های آموزشی و استاندارد منتشر می‌کند. این امر موجب شده است که ناشران با علاقه قدم در این عرصه بگذارند. آن‌ها می‌کشند کتاب‌هایشان استانداردهای لازم را داشته باشد و نامشان در این فهرست بیاید تا کتابشان از فروش بهتری برخوردار باشد.

همین کار را می‌شود در مورد فیلم‌های شما و دیگر تولیدکنندگان انجام داد. در این صورت، مراکز آموزشی فهرستی دارند یا کتابخانه‌ای و یا سایتی که مجموعه‌ای از فیلم‌ها و نحوه‌ی رفع نیازهایشان را به آن‌ها نشان می‌دهد. (فکر و طرح خوبی است و ما استقبال می‌کنیم. اما همان‌طور که گفتیم، دفتر گوناگون باید کار را منحصربه‌فرد و از خودشان ببینند. مثلاً دفتر چاپ و توزیع، فقط در محدوده‌ی چاپ و رساندن کتاب فکر نکند و دفتر تألیف همین‌که محتوای کتاب را نوشت، فکر نکند کار تهیه‌ی ابزارهای آموزشی به ما مربوط نیست.

ما باید بسته‌های آموزشی را به مدارس بفرستیم و برای تهیه‌ی این بسته‌ها، قطعاً باید کار گروهی انجام داد.

و در این‌جا جاداد صمن تشکر از شما، گلای را هم مطرح کنم و آن همین نگاه افراقی در کارهاست که در اکثر دوستان هست. باورشان می‌شود بگویم، حداقل طی سال‌هایی که من در این معاونت عهده‌دار این مسئولیت هستم، شما اولین گروهی هستید که برای مضاحبه و کسب اطلاعات و اطلاع‌رسانی به ما رجوع کرده‌اید! وقتی می‌گویید لازم است به معلمان اطلاع‌رسانی شود که چنین مجموعه‌ای با این امکانات وجود دارد تا معلم به آن رجوع کند، اما عجلایی مثل رشد معلم، رشد ابتدایی، رشد تکنولوژی و دیگر مجلات، نباید این اطلاع‌رسانی را که جزو اولویت‌های کارشان است، انجام بدهند.

در هر صورت از شما تشکر کم و در همین گفت‌وگو اعلام می‌کنم که آمادگی قبول هر گونه همکاری و طرح‌های توسعه‌ی فرهنگی هستیم.

● ما هم از شما تشکر می‌کنیم. از این‌که در شرایط تراکم کار، وقت زیادی را برای معلمان و خوانندگان مجله‌ی ما اختصاص دادید.



رشد آموزش راهمایی تحصیلی

انگیزه‌ی مطالعه و پژوهش

سیمین جهانی

نادیده گرفته شود و نحوه‌ی ارتباط و تعامل در این زمینه با آن‌ها سرد باشد، تدریجاً به این باور می‌رسند که توانایی‌شان در انجام مطالعه و پژوهش ضعیف است و در موقعیت‌های آتی، ممکن است آن‌ها به شکل ضعیف‌تری عمل کنند.

۳. متغیرهای جو کلاسی که محیطی برانگیزاننده را برای مطالعه و پژوهش ایجاد می‌کنند، از جمله‌ی این متغیرها عبارت‌اند از: امنیت و نظم کلاسی، انتظار برای موفقیت در مطالعه و پژوهش، چالش انگیزی تکالیف و ارزش قائل شدن برای مطالعه و پژوهش و درک آن.

۴. متغیرهای آموزشی که علاقه‌مندی نسبت به فعالیت‌های مطالعه و پژوهشی را افزایش می‌دهند، از

الگوی مناسب برنامه‌ی درسی ایجاد علاقه و انگیزه‌ی دانش‌آموزان به مطالعه و پژوهش، چهار عنصر بنیادی دارد که هر یک از ابعاد و عناصر آن، کاربردهایی را برای ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان دارند. این چهار عنصر عبارت‌اند از:

۱. ویژگی‌های دانش‌آموزان که باعث ایجاد علاقه و انگیزه به مطالعه و پژوهش در آن‌ها می‌شود. از جمله‌ی این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: نیازهای شناختی (نیاز به فهمیدن، نیاز به پیشرفت، نیاز به استقلال و نیاز برای حمایت از ارزشمندی شخصی)، نیازهای اجتماعی (نیاز برای وابستگی، نیاز برای تأیید)، نیازهای هیجانی (نیاز برای کاهش اضطراب).

نیازها و رغبت برای ارضای آن‌ها، منبع اولیه‌ی انگیزش دانش‌آموزان است. برای مثال، نیازهای شناختی دانش‌آموزان نیازهایی هستند که درون آن‌ها وجود دارند و در آن‌ها انگیزه‌ی درونی برای فعالیت ایجاد می‌کنند. مطالعه و انجام پژوهش، مستلزم برنامه‌ریزی، کنترل و مدیریت شخصی، توجه، تلاش، علاقه و انگیزش درونی است.

۲. ویژگی‌ها و خصوصیات شخصی معلمان که انگیزش دانش‌آموزان را نسبت به مطالعه و تحقیق در دانش‌آموزان تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله‌ی این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: خودکارآمدی تدریس، ایجاد اشتیاق و الگودهی فعالیت‌های مطالعه و پژوهش به دانش‌آموزان، شفقت و مهربانی با دانش‌آموزان، و داشتن انتظارات مناسب و مثبت از آن‌ها.

کاهشگری و مطالعه مستلزم این است که معلمان فضایی آرام و حمایت‌کننده برای دانش‌آموزان تدارک ببینند. معلمان با کارآمدی بالا در تدریس، به جای سرزنش دانش‌آموزان، آن‌ها را مورد محبت قرار می‌دهند، و فرصت مناسبی برای نشان دادن آزمایش‌ها و دستاوردهای پژوهشی دانش‌آموزان در اختیارشان می‌گذارند. هرچه انگیزه و اشتیاق معلمان به فعالیت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی بیشتر باشد، به همان نسبت دانش‌آموزان آن‌ها نیز نسبت به این فعالیت‌ها علاقه‌مندتر خواهند شد. علاقه‌مند ساختن و برانگیختن دانش‌آموزان به مطالعه و پژوهش، در گرو تعاملی است که آن‌ها با معلمان خود دارند.

دانش‌آموزان کلاس، در صورتی برای انجام مطالعه و پژوهش از خود علاقه‌مندی نشان می‌دهند که معلمان‌شان در این باره از آن‌ها انتظارات قوی و مثبتی داشته باشند. در غیر این صورت، اگر فعالیت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی دانش‌آموزان



جمله‌ی این متغیرها عبارت‌اند از: تمرکز مقدماتی (جلب توجه دانش‌آموزان)، شخصی کردن (پیوند محتوای درس با زندگی دانش‌آموزان)، درگیری (شرکت فعال و هدفمند در فعالیت‌های مطالعه و پژوهش)، هرچه محتوای درس یا زندگی واقعی دانش‌آموزان پیوند و ارتباط نزدیک‌تری داشته باشد، معنی‌دارتر و منطقی‌تر جلوه می‌کند و هر آن‌چه که از معنی و منطق قوی‌تری تبعیت کند، کنجکاوی دانش‌آموز را بیشتر تحریک می‌کند.

منبع

● این چکیده‌ی پژوهش از منبع زیر اقتباس شده است:
 رضایی، دکتر اکبر - قدم‌پور، دکتر عزت‌الله. چگونگی ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان به مطالعه و پژوهش از طریق برنامه‌ی درسی. استاد ناظر: دکتر حسین باشتا شریفی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، بهار ۱۳۸۵.

● مناسبات تربیت دینی و

تربیت برای زندگی

برخی تصور می‌کنند تربیت یا باید برای دین باشد یا برای زندگی. در این تصور، تربیت دینی ارتباطی با زندگی افراد ندارد و تنها به بعد آخرتی انسان می‌پردازد و تربیت برای زندگی به دنیای انسان می‌پردازد و ارتباطی با آخرت فرد ندارد هر کدام از این دو تصور نیز طرفدارانی دارد برخی می‌پندارند بعد معنوی و آخرتی انسان مهم است و لذا باید تربیت دینی را محور قرار داد. برخی هم که به موفقیت زندگی دنیا می‌اندیشند، معتقدند تربیت برای زندگی باید محور قرار گیرد.

پیش از این که به داوری درباره‌ی این دو عقیده بپردازیم باید ببینیم اساساً تقابل تصور شده میان این دو صحیح است یا نه؟ بنیان این دو دیدگاه بر یک تقابل و تضاد است. آیا این یک تناقض واقعی است یا یک پارادوکس و تناقض نماست؟ واقعیت این است که میان این دو تضاد و تقابلی وجود ندارد ابعاد گوناگون تربیت دینی، عواملی برای موفقیت در زندگی به‌شمار می‌روند. اساساً دستورات دینی سبکی از زندگی را ارائه می‌کنند تا دنیا و آخرت فرد را آباد و اصلاح می‌کند. اصلاح آخرت و زندگی جاویدان انسان،

از رهگذر اصلاح دنیا تأمین می‌شود. در آینده خواهید دید که به‌طور مشخص هر کدام از مؤلفه‌های تربیت دینی چه نقشی در زندگی دارد. آن‌چه این‌جا به‌طور کلی مهم

در شماری گذشته، درباره‌ی معنای تربیت دینی سخن گفتیم و با معرفی رویکردها، بیان کردیم که تربیت دینی فقط تربیت مناسکی نیست. تربیت دینی ابعاد دیگری نیز دارد که اتفاقاً بنیان‌ها و زیرساخت‌های بعد مناسکی و رفتاری دین هستند. این بحث از آن جهت اهمیت داشت که تصور ما را از تربیت دینی اصلاح کند. از دیگر اشتباهات فکری در تربیت دینی، تصور تناقض میان تربیت دینی و تربیت برای زندگی است. در این شماره، به این بحث می‌پردازیم و نسبت تربیت دینی و موفقیت فرزندان را روشن خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، فضائل اخلاقی، موفقیت در زندگی

تربیت برای زندگی

حجت‌الاسلام عباس پسندیده

است، این که همه‌ی فضایل اخلاقی و باورهای اعتقادی و رفتارهای عبادی، در پیچ و خم زندگی دنیا معنا و کارایی پیدا می‌کنند. بنابراین، تربیت دینی نه تنها با موفقیت در زندگی تضادی ندارد، بلکه تنها راه و بهترین عامل تأمین موفقیت زندگی است. دین، از آن جا که از منبع اطمینان بخش وحی سرچشمه می‌گیرد، بهترین راه موفقیت انسان است. از این رو می‌توان گفت که موفقیت فرزندان جز از راه تربیت دینی تأمین نمی‌شود و تربیت دینی رهاوردی جز موفقیت آنان ندارد.

اجازه دهید برای روشن تر شدن بحث، به نتایج یکی از بررسی‌های علمی و اسلامی اشاره کنم. در تیرماه سال گذشته (۱۳۸۷)، همایش «اسلام و آسیب‌های اجتماعی» به همت سازمان بهزیستی کشور برگزار شد. پژوهش بخش اسلامی این همایش را پژوهشکده‌ی علوم حدیث بر عهده داشت که این جانب نیز به خاطر مسئولیتیم^۱، مستقیماً در همه‌ی موضوعات همایش درگیر بودم. ۹ آسیب اجتماعی محور بررسی قرار گرفته بود که عبارت‌اند از:

۱. اعتیاد، ۲. خودکشی، ۳. فرار از خانه، ۴. کودکان خیابانی، ۵. کودکان آزاری، ۶. دختران و زنان آسیب دینده و در معرض آسیب، ۷. همسرآزاری، ۸. طلاق و ۹. آسیب‌های نو پدید (مثل اینترنت، ماهواره و...).

نتایج بررسی‌های اسلامی نشان داد که این ۹ موضوع، به چند محور کلی در مطالعات و فرهنگ اسلامی بر می‌گردند: سبک فرزندپروری، سبک ازدواج و زندگی زناشویی، و سبک تربیت جنسی. و در نهایت همه‌ی این‌ها به سبک زندگی دینی باز می‌گردد.

آن چه به موضوع بحث ما مربوط می‌شود، سبک فرزندپروری و رابطه‌ی

آن با آسیب‌های اجتماعی است. باید بگوییم، ناپردباری در برابر مشکلات و ناتوانی در تحمل و یافتن راه حل مناسب برای آن‌ها، از عللی است که می‌تواند فرزندان را به اعتیاد، خودکشی و یا فرار از خانه بکشانند. فرزندی که توانمندی تحمل و حل مشکلات را نداشته باشد، برای فرار از وضعیت موجود، یا به سمت اعتیاد می‌رود تا وی را از هوشیاری و درک سختی‌های زندگی رها کند و یا دست به خودکشی می‌زند تا به رنج خود پایان دهد و یا با کوچک‌ترین مشکلی از خانه فرار می‌کند و همین امور می‌تواند زمینه‌ی آسیب‌های جنسی و بزهکاری‌های دیگر را فراهم سازد.

طبق نظریه‌ی مerton^۲، لذت‌گرایی و تأکید بیش از اندازه بر دستاورد و دارندگی^۳، از علل گرایش به اعتیاد است؛ زیرا چنان افرادی هنگام دست نیافتن به هدفش، برای تسکین خود به سمت مواد مخدر روی می‌آورد. همین امر ممکن است به خودکشی منجر شود و یا فرد برای یافتن زندگی بهتر، از خانه فرار کند که این خود می‌تواند زمینه‌ی فسادهای بعدی را فراهم سازد. فقدان توان بازداري و خویش‌نشاندن، مقاومت افراد را در برابر محرک‌های جنسی کاهش می‌دهد و موجبات آلودگی‌های جنسی را فراهم می‌کند. این امر می‌تواند در دنیای واقعی و یا مجازی رخ دهد و...

همان گونه که می‌بینید، فقدان مؤلفه‌های دینی و وجود عناصر غیردینی

در شخصیت افراد، موجب بروز ناکامی در زندگی و همچنین آسیب‌های اجتماعی می‌شود. لذت‌گرایی افراطی و فقدان توان صبر در برابر مشکلات، وجود حرص و فقدان عنصر قناعت، نارضایتی و زیاده‌خواهی، فقدان تقوا و توان خویش‌نشاندن و اموری از این دست، همگی از عناصر غیر دینی هستند که علل بروز این ناپهتجاری‌ها محسوب می‌شوند و موجبات ناکامی و شکست را در زندگی فرزندان به وجود می‌آورند.

در حقیقت، آسیب‌های اجتماعی به آسیب‌های فردی برمی‌گردد که آن هم به خاطر آسیب‌های اخلاقی و اعتقادی و رفتاری است. در طرف مقابل، تربیت فرزندان با مؤلفه‌های صبر، قناعت، رضامندی، تقوا و اموری از این دست، می‌تواند او را در برابر واقعیت‌ها و آسیب‌ها واکسینه کند و مصونیت بخشد در نتیجه، کام‌یابی و بهروزی را برای آنان به ارمغان آورد.

بنابراین، رویکردی از تربیت دینی، رابطه‌ی مستقیمی با ناکامی دارد و رویکرد به تربیت دینی، رابطه‌ی مستقیم و تنگاتنگ با کام‌یابی و بهروزی افراد در زندگی فرزندان دارد. آن چه مهم است، این که باید نگاه به تربیت دینی را تغییر داد و از تربیت مناسکی به نوعی تربیت جامع‌نگر روی آورد که شامل مؤلفه‌های گوناگون دین‌داری (در حوزه‌ی اعتقاد، اخلاق و مناسک) شود. چنین تربیتی، موجبات موفقیت فرزندان در زندگی آینده را به وجود می‌آورد.

همه‌ی فضایل اخلاقی و باورهای اعتقادی و رفتارهای عبادی، در پیچ و خم زندگی دنیا معنا و کارایی پیدا می‌کنند

پی‌نوشت

۱. محقق و کارشناس پژوهشکده‌ی علوم حدیث

2. merton

3. achievement

منبع

گزارش کار گروه اعتیاد همایش اسلام و آسیب‌های اجتماعی، زیر چاپ



بخوان، فکر کن، تغییر بده.

دکتر یدالله سعیدنیا

آزادی و اختیار

اشاره

در شماره‌ی پیش، ادبیات روان‌شناسی و دینی را برای یافتن تصویری از انسان که روان‌شناسی جدید و قرآن ارائه می‌دهند، مرور کردیم. حاصل این بود که سه موضوع مورد قبول هر دو است:

اول این که انسان لوحی سفید نیست، بلکه هم‌زمان با تولد، با خود نیرویی را می‌آورد که در آن تمایل و کشش به سوی خوبی‌ها و کمال نهفته است. دوم این که انسان دارای قدرت تحلیل و تفکر و تعقل است و سوم این که انسان دارای قدرت اختیار و آزادی انتخاب است.

کلیدواژه‌ها: آزادی انتخاب، قدرت تحلیل، تفکر

ویژگی انسان

آخرین و مهم‌ترین دستاورد بحث قبلی این بود که اگر به هر دلیلی قدرت اختیار و آزادی انسان برای انتخاب سلب شود، نه تنها قدرت تحلیل و تفکر و تعقل، قدرتی بی‌مصرف می‌شود، بلکه وجود نیروی کشش به سوی کمال هم دلیل وجودی خود را از دست می‌دهد.

اگرچه بحث قبل کافی به نظر می‌رسید، اما تذکر این که «چرا سلب آزادی انتخاب باعث بی‌حاصلی قدرت تفکر و مانعی در برابر کشش درونی به کمال می‌شود؟» می‌تواند به ارتباط و انسجام بحث این شماره کمک کند.

قدرت تفکر و تحلیل به انسان کمک می‌کند تا بتواند درستی و نادرستی قضایا را تشخیص دهد. مثلاً از انسان خواسته شده است تا با تفکر، درستی و نادرستی حقانیت رسالت پیامبر(ص) را تشخیص دهد. حال اگر آزادی انسان برای انتخاب یکی از دو وجه حقانیت و عدم حقانیت رسالت پیامبر سلب شود و تنها یک راه برای اختیار کردن باشد، وجود قدرت تفکر چه هدفی را دنبال می‌کند؟

هم‌چنین گفته شد که میل به کمال در انسان برخلاف غریزه در حیوانات، ناخواسته انسان را به مطلوب نمی‌رساند، بلکه این کشش و تمایل باید توسط خود انسان حفاظت، مراقبت و تربیت شود. اگر از انسان برای انتخاب مسیر فطری یا غیر آن قدرت اختیار گرفته شود و طی کردن مسیر فطرت تنها راه ممکن باشد، وجود این میل به صورتی که غریزی نباشد، چه هدفی را دنبال می‌کند؟

گذشته از این باید توجه شود که قدرت اختیار برای انتخاب مسیر فطری و یا غیر آن، با وجود توان و نیروی تفکر و تحلیل است که کامل می‌شود. حتی آزادی انتخاب کردن به تنهایی کافی نیست و نیروی تفکر می‌تواند عاملی باشد که انتخاب را به ملاکی متکی می‌کند که منطقی است.

یادآوری این نکته هم حائز اهمیت فوق‌العاده است که باید توجه شود که در عبارت فوق بیان شد که «این کشش باید توسط خود انسان حفاظت، مراقبت و تربیت شود». اگر این گزاره به تعلیل نیاز داشته باشد، در تعلیل آن می‌توان گفت: اگر قرار است این کشش درونی به سمت کمال، توسط افراد دیگری حفاظت، مراقبت و تربیت شود، پس نقش آزادی انتخاب و قدرت تفکر برای تشخیص درست و غلط مسائل چیست؟

به طور خلاصه، انسان با وجود سه ویژگی از حیوان متمایز شده است: ۱. تمایل به کمال؛ ۲. نیروی فکر و ۳. آزادی انتخاب.

شاید بتوان این سؤال را در این‌جا مطرح کرد که: اگر قدرت تفکر و تحلیل با آزادی انتخاب در انسان همراه بود، چه ضرورتی برای وجود کشش درونی به خیر و کمال وجود داشت؟ چرا ارزش‌ها و کمال فرد در وجود وی تعبیه شده است؟ آیا انسان می‌توانست با قدرت تفکر، با گرفتن اطلاعات خارج از خود، مسیر درست را برای خودش تشخیص دهد؟ در جواب باید گفت، به نظر می‌رسد قدرت تحلیل و تفکر اگرچه قادر است که اطلاعات بیرونی را تحلیل کند، ولی باید برای یافتن کمال فردی که برای هر فرد امری است یکتا، ملاکی داشته باشد. انسان برای اختیار کردن چیزی که خارج از خودش به او می‌رسد، نیاز به این دارد که آن را به وسیله‌ی قوه‌ی تفکر و تحلیل خود یا یک ملاک بسنجد تا تشخیص دهد که آیا این موافق کمال اوست یا نه! این ملاک همان فطرت یا نیروی کشش و تمایل درونی فرد است.

شاید خواننده‌ی محترم تاکنون به این دلالت بحث پی برده باشد که تا این‌جا هیچ نقشی برای افراد دیگر در فرایند کمال قائل نشده است. این سؤال را باید پاسخ داد که نقش دیگران اعم از پدر و مادر، مربیان، و صاحبان علم و کرامت و پیامبران و دین در فرایند کمال چیست؟ آیا می‌توان از همه‌ی آن‌ها چشم پوشید؟ آیا می‌توان ادعا کرد که حلقه‌ی تکامل با وجود نیروی تفکر، آزادی انتخاب و فطرت، کامل است؟

جواب به این سؤال حساسیت ویژه‌ای دارد. ممکن است تمایل عادی به این که این منابع مهم و بعضاً مقدس - از پدر و مادر، مربیان و صاحبان علم و کرامت و پیامبران و دین - را همواره منابع اصلی تربیت بدانیم، جواب ناسازگاری را بدون دلیل در ذهن ایجاد کند. در این حالت، انتظار عمومی این است که جواب داده شود: «البته که این‌طور نیست! پدر و مادر، مربیان و صاحبان علم و کرامت و پیامبران و امامان، مهم‌ترین ارکان هدایت هستند!»

اما در این‌جا به طور منطقی به دنبال استخراج جواب از بحث انجام شده هستیم. به نظر می‌رسد که به واقع این منابع و مراجع مهم هستند. نقش این منابع، دادن اطلاعات ورودی صحیح و درست به قوه‌ی تفکر و تعقل فرد است. در واقع فرایند کمال ذکر شده، به اطلاعات ورودی نیاز دارد. پدر و مادر به عنوان اولین و دلسوزترین منابع اطلاعات و سپس مربیان به عنوان کامل‌کننده‌ی اطلاعات پیچیده‌تر و دین به عنوان منبعی از اطلاعات خاص که عمده‌تاً قابل دست‌رسی مستقیم از منابع دیگر نیست، مجموعه‌ی کاملی

انسان با وجود سه ویژگی از حیوان متمایز شده است:
۱. تمایل به کمال؛
۲. نیروی فکر و
۳. آزادی انتخاب

**اگر قرار بود دیگران
برای فردی تصمیم
بگیرند، چرا خدا این
نیروها را در نهاد
انسان قرار داده است**

از منابع را در اختیار فرد می‌گذارند تا او بتواند بهترین و سازگارترین انتخاب را یا فطرت خودش انجام دهد.

قبول کردن وجود نیرویی در انسان که او را به سوی کمال می‌راند و بذیرفن این که نیروی تفکر و تعقل در انسان بدون دادن اختیار و قدرت انتخاب، به هیچ روی انسان را کامل نمی‌کند، به تنها پایان یک بحث علمی نیست، بلکه سرآغاز بسیاری از چالش‌ها در عرصه‌ی تعلیم و تربیت است. به عبارت دیگر، اگر چه ممکن است بحث فوق در ادبیات دینی امری واضح به نظر برسد، ولی دلالت‌های آموزشی ناشی از آن، احتمالاً به راحتی مورد قبول اصحاب تعلیم و تربیت قرار نمی‌گیرد.

بررسی نقشی محیط - اعم از منابع فوق‌الذکر و سایر عوامل - بر فرایند کمال، این بحث را وارد حوزه‌ی تعلیم و تربیت می‌کند. وجود فطرت و نیروی تفکر، از انسان قابل سلب نیست، اما محیط می‌تواند در چگونگی عملکرد این دو تأثیر بگذارد. مثلاً قدرت تفکر می‌تواند پرورش یابد و تقویت شود، یا برعکس، تضعیف و ناتوان شود. فطرت نیز می‌تواند با دستکاری‌های محیط نادیده گرفته یا اشتهاء درک شود.

مهم‌ترین مأموریت ایجابی محیط از جمله مدرسه، می‌تواند پرورش قدرت تفکر باشد. آسبی که از محیط ممکن است وارد شود، این است که دادن اطلاعات، بر پرورش قدرت تفکر مقدم شود. حتی ممکن است تمرین‌های فکری کودکان را به بهانه‌ی جلوگیری از انحراف محدود کنیم.

مهم‌ترین آسبی که به فطرت می‌تواند وارد شود، فشار محیط برای تغییر ویژگی‌های این کنش درونی است. فشار محیط برای کشاندن انسان به سمتی که هم جهت با کنش درونی فرد نیست، باعث توقف کمال و پیدا شدن علائم عدم سلامتی می‌شود. حتی فشار محیط برای آن که یک کنش درونی با نیروی بیرونی انجام شود نیز، علائم مقابله و مقاومت را پدید می‌آورد.

محیط می‌تواند در عنصر دیگر فرایند کمال، یعنی آزادی انتخاب، بیش از همه مداخله کند. محیط گاهی می‌تواند ایسی آزادی را به کلی سلب کند یا بسیار محدود کند، یا به ظاهر آن را به فرد بدهد، ولی در واقع با وابسته کردن بسیاری از نیازهای فرد به انتخاب‌های خاص که از محیط باید تأمین شوند، عملاً این آزادی را محدود کند. شیوه‌ی دیگر محدود کردن آزادی انتخاب، در نحوه‌ی دادن اطلاعات به فرد است. اگر نوع اطلاعات از نوع ارزشی و آن هم

همواره از جنسی خاص باشد، می‌تواند باعث نتایج خاص توسط نیروی تفکر و جهت‌گیری خاص توسط فطرت شود. مهم‌ترین دلیل عملکرد جهت‌دار محیط در این مورد، به این باور در مریض و پلید و مادر برمی‌گردد که آن‌ها فرض می‌کنند می‌دانند کودک در نهایت باید چگونه شود، چه چیزی به صلاح اوست و چه چیزی درست است. اگر چه هیچ عاقلی برای درستی این باور وجود ندارد، ولی حتی اگر چنین باشد، باز هم چنین حقی برای دیگران وجود ندارد که برای کودک تصمیم بگیرند. زیرا این کار باعث سلب آزادی انتخاب و در نتیجه بی‌ثمر شدن نیروی تفکر و فطرت می‌شود. اگر قرار بود دیگران برای فردی تصمیم بگیرند، چرا خدا این نیروها را در نهاد انسان قرار داده است؟

حال زمان آن است که به نحوه‌ی زندگی خود بنگریم. تا چه حد این فرایند کمال را، مانند آن چه ترسیم شد، در مورد فرزندان خود فراهم کرده‌ایم؟ در فهرست زیر، مواردی برای تفکر آمده‌اند. در هر یک از موارد زیر که عمده‌ی زندگی فرد را می‌پوشاند، چه قدر آزادی انتخاب برای آن‌ها وجود دارد؟
نوع غذا؛ میزان غذا؛ نوع لباس؛ کفش و شلوار؛ نوع آرایش مو و صورت؛ مدرسه؛ رشته‌ی تحصیلی؛ زمان حضور در خانه؛ شغل آینده؛ همسر؛ زمان خواب؛ نوع موسیقی؛ نوع فیلم؛ دوست؛ نوع تفریح؛ زمان نماز؛ خواندن نماز؛ اعتقاد به خدا؛ اعتقاد به پیامبر؛ روش سالی؛ نوع ورزش؛ دین؛ نوع اعتقاد به دین؛ مفهوم بدین؛ کلاس‌های عزت‌دینی؛ موضوعات درسی؛ زمان درس خواندن؛ میزان درس خواندن؛ نمره‌ی مطلوب.

اگر با بی‌طرفی این فهرست را بررسی کنیم، بعد است میزان آزادی انتخاب فرزندان بیش از ده درصد شود. وقتی کودک ۶-۷ ساله است، به دلیل ناتوانی در تشخیص خطر، مانع انتخاب وی می‌شویم. ۱۱-۱۰ سالگی، به نظر ما هنوز عقلش نمی‌رسد. در ۱۶-۱۵ سالگی هنوز نیتخته است. در ۲۱-۲۰ سالگی جوان است و جاهل؛ وقتی ۲۶-۲۵ ساله هم می‌شود، هنوز ظرفیت برخی مسائل را ندارد!

در واقع، در هر سنی، دلایل موجهی برای محدود کردن آزادی انتخاب وجود دارد. در واقع باید از تصمیم‌گرفتن جای دیگران دست برداشت و به هر انسانی به دلیل داشتن عقل، فطرت و آزادی انتخاب، اعتماد کرد. با دیگری از این که فرزند یا شاگرد به گمراهی می‌افتد، نباید قدرت انتخاب را سلب کرد.

شناخت مغز

در شماره‌ی قبل مقدماتی را در ارتباط با آموزش و یادگیری مغز محور بیان کردیم. در این شماره به راهکارهایی برای اجرای بهتر این نوع آموزش و یادگیری می‌پردازیم.

● تدریس به دانش‌آموزان در ارتباط با سیستم مغزشان

زمانی که دانش‌آموزان ساختارهای اساسی مغزشان را بشناسند، بهتر می‌توانند رفتارهای خود را تنظیم نمایند. ساختارهای اساسی شامل مغز ابتدایی (مخچه، ساقه‌ی مغز)، قشر مخ (قطعه‌های پیشانی، آهیانه، پس سر و گیجگاه)، عملکرد سلول‌های عصبی مغز و... می‌باشد. آموزش این ساختارها را می‌توان برای دانش‌آموزان دوره‌ها و پایه‌های گوناگون نیز بیان کرد.

اگر دانش‌آموزان با سیستم مغز و یادگیری آشنا شوند، رفتارهای خود

را به خوبی تحلیل می‌تایند. مثلاً در حالت تحرک و ورزش می‌توانند بگویند چه

قسمت‌هایی از مغزشان فعال است یا در یادآوری یک خاطره، یا فکر کردن و حتی رعایت

موارد تربیتی مثل نظم و احترام می‌توانند قسمت‌های درگیر مغزشان را نام ببرند. دانستن این مسئله

که در انجام فعالیت‌ها کدام قسمت مغز فعال می‌شود، موجب می‌گردد که دانش‌آموزان به‌صورت خردمندانه و هوشمندانه به فعالیت بپردازند و انجام فعالیت‌ها را صرفاً به‌صورت سطحی انجام ندهند.

دانش‌آموزان باید بدانند که پایه و اساس فیزیکی مغز همه‌ی آن‌ها یکسان است، یعنی قسمت‌های مختلف مغز در همه‌ی افراد یکی است؛ مغز هرکس دارای دو نیم‌کره است و هر نیم‌کره قطعات پیشانی، گیجگاه، آهیانه و پس سر و... می‌دارد. در عین حال نوع تجارب و یادگیری‌ها موجب ارتباط سلول‌های عصبی کمتر یا بیشتری می‌شوند و همین تنوع و منحصر به‌فرد بودن تجارب موجب می‌گردد که آن‌ها خودشان را متفاوت و منحصر به‌فرد ببینند و از مقایسه‌های بی‌اساس اجتناب نمایند.

● تدریس به دانش‌آموزان درباره‌ی تأثیر حیاتی آب بر کارکرد بهینه‌ی کل بدن به‌خصوص مغز

بیشتر از ۷۸ درصد وزن مغز را آب تشکیل داده است و مغز نسبت به همه‌ی قسمت‌های بدن، آب بیشتری دارد. از دست دادن آب بدن، یکی از مشکلات عمده‌ای است که منجر به ضعف در یادگیری می‌شود. در زمان تشنگی، تراکم نمک در خون بالاتر می‌رود و سطح بالاتر نمک باعث بالا رفتن فشارخون و فشار روانی می‌شود و بر یادگیری تأثیر منفی می‌گذارد. دقت کاهش می‌یابد و در نتیجه یادگیری کاهش پیدا می‌کند.

تشویق دانش‌آموزان به نوشیدن آب در طی روز، حتی از طریق برنامه ریزی در کلاس درس، و نیز آگاهی دادن به آن‌ها در ارتباط با ارتباط کم‌آبی مغز و یادگیری ضعیف، به آن‌ها کمک می‌کند که آن‌ها هوشمندانه آب بخورند؛ یعنی بدانند که کمبود آب چه خطراتی برایشان دارد، و برعکس، با نوشیدن آن مغز چه کمکی را دریافت می‌نماید.

زیرنویس

۱. آموزش مغز، یا دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی دبستان رشد تهران، در سال ۸۷ توسط نویسنده اجرا شده است.

آموزش انتقادی ریاضیات

زهرا حاجی آخوندی

دبیر ریاضی، کرج

بی‌خون و جگر می‌بازد و برای خود هیچ حق در ساخت سرنوشت خویش قائل نیست. در حالی که بکایک دانش‌آموزان به‌عنوان انسان این حق را دارند که بدانند در اطرافشان چه می‌گذرد و خود را در ساخت زندگی فردی و جمعی خود اعم از مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بدانند و این امکان برایشان فراهم باشد که درباره‌ی هر چه می‌بینند، سؤال کنند، به دنبال پاسخ سوالاتی باشند که در ذهنشان نقش بسته است، با کنجکاوی‌های خود زندگی آینده‌شان را رقم زده و روشن درست زندگی کردن را بیاموزند.

آموزش سبکی و رایج در مدارس ما به گفته‌ی پائولو فریره «آموزش بانکی» است که در آن معلم خوب، معینی است که ابزارکننده‌ی خوبی باشد و بتواند اطلاعات بیشتری را در ذهن دانش‌آموزان ابار کند ما در میان این‌ها را باریس گیرد. فریره به شدت با این نوع آموزش مخالف است و روش آموزش جدیدی را معرفی می‌کند به نام «آموزش مسئله طرح کی». در این شیوه نقش معلم، طرح کردن مسئله است. معلم خوب کسی است که بتواند مسائلی بهتری را طرح کند به گونه‌ای که دانش‌آموز به فکر کردن تحریک شده و علاقه‌مند شود که به دنبال آن برود، نه این که تنها به حل آن‌ها بپردازد. حتی اگر دانش‌آموزی به جواب موردنظر معلم نرسیده باشد، مهم نیست، زیرا روند درست فکر کردن و فعال شدن ذهن مهم‌تر از رسیدن به جواب نهایی مسئله است.

روشی که فریره در آموزش مسئله طرح کن خود به آن اشاره می‌کند، گفت‌وگوشود است که در کلاس‌های درس سستی خصوصاً ریاضیات کمتر اجرا می‌شود. معلمان غالباً بر سخنرانی، توضیح مطالب و حل مسائل با پر کردن بحث‌ها از اعداد و ارقام و اشکال تکیه می‌کنند. در این روش دانش‌آموز تبدیل به موجود منفعل می‌شود که وظیفه‌ی او گوش دادن

پس از ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته‌ی علوم تربیتی، گرایش برنامه‌ریزی درسی و آشنایی با فلسفه‌ی تربیتی پائولو فریره در آموزش و پرورش انتقادی، گویی وارد دنیای جدیدی از روش‌های تدریس و یادگیری شدم. پیش از این تصور نمی‌کردم که بتوان آموزش را پدیده‌ای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تلقی کرد که معلم و شاگرد در آن سهیم باشند. این که دانش‌آموزان قرار است یاد بگیرند که چه‌طور سرنوشت فردی و اجتماعی خود را رقم بزنند و نسبت به شرایط فرهنگی و اجتماعی خود واکنش نشان داده و از آموزش به‌عنوان وسیله‌ای برای رهایی بخشی از سلطه‌ی بهره‌نگیرند. وقتی با آموزش انتقادی ریاضیات آشنا شدم، خدایت این نظریه برایم دوچندان شد. سال‌ها به خاطر علاقه‌ی فراوانی که به ریاضی، خصوصاً تدریس آن داشتم و از همین رو در رشته‌ی ریاضیات کاربردی در دانشگاه تحصیل کرده بودم، همواره به دیال راه‌های خلاقانه و جدید آموزش خصوصاً در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی بودم که آن را در نظر دانش‌آموزان ریاضی و کاربردی خود دهم؛ چرا که مسائل روزمره در دوره‌های پایین‌تر ملموس‌تر و عینی‌تر هستند و دانش‌آموزانی که هنوز در مرحله‌ی ساخت عینی‌اها هستند قادرند آن‌چه را که نماد واقعی دارد بهتر درک کنند.

اکنون که با نظرات فریره، آموزگاری که معتقد به آموزش و پرورش انتقادی در مدارس بود و عمر خویش را در نظریه‌پردازی و اجرای این دیدگاه سپری کرد، آشنا شده‌ام، مشتاقم معلمان دلسور و علاقه‌مند را نیز سبب به این دیدگاه آگاه کنم؛ شاید آن‌ها نیز به گوی دیگری به آموزش و یادگیری بنگرند و آن را فعالیتی مؤثر برای آموزش زندگی و ساخت سرنوشت دانش‌آموزان خود بدانند و به آن‌ها کمک کنند تا به همه چیز از منظر یک نقاد فعال (کارساز) نگاه کنند، نه موجودی منفعل و کارپذیر که هرچه به او می‌گویند

پائولو فریره کیست؟
پائولو فریره دانشمند و آموزگار برزیلی است که تحت تأثیر مسائل اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه‌ی برزیل برای مبارزه با فقر به فکر آموزش و پرورشی افتاد که در آن این شناخت و آگاهی به فقر و ستم‌دیدگان داده شود که بدانند انسان‌هایی صاحب اراده‌اند که می‌توانند فرهنگ و جهان خود را بسازند. او از آموزش سنتی که در آن «فرهنگ سکوت» ترویج می‌شد به شدت انتقاد می‌کرد و معتقد بود ستم‌دیدگان از طریق این آموزش‌ها غرق در فرهنگی می‌شوند که به آن‌ها سکوت کردن در برابر ستم ستمگران و زودباوری تلقین می‌شود. فریره چند اصل زیر را در کتاب‌هایش طرح می‌کند که حاکی از رویکرد وی به این موضوع است:
۱. اعتقاد به توانایی افراد برای فراگیری، دگرگونی و رهایی خویش از شرایط سرکوب‌کننده‌ی جهل، فقر و استثمار؛
۲. تماس مستقیم فراگیرندگان با واقعیت‌های خاص زندگی و مسائل مربوط به آن و تجربه و تحلیل فشارها و محدودیت‌های تحمیل‌شده به آنان از سوی ساختار اجتماعی و ایدئولوژی رسمی؛
۳. طرد تفاوت‌های موجود بین «آموزش دهنده» و «آموزش گیرنده» و در نظر گرفتن هر دو به عنوان «فراگیرنده»؛
۴. گفت‌وگوشود آزاد؛
۵. مشارکت در کوشش‌های رهایی‌دهنده و توانایی در تغییر سرنوشت برای رها شدن از سلطه‌ی دیگران.

رشد آموزش
رهنمایی
تعمیلی

برای آموزش انتقادی ریاضیات در هر کلاسی لازم است نکاتی مدنظر قرار گرفته و اجرا شود:

۱. طرح سؤال‌هایی منطبق بر واقعیت با امکان اجرای عملی آن‌ها: بسیاری از

مباحث ریاضی را می‌توان با دادن تکلیف‌هایی آموزش داد که از قبل شاگردان اطلاعاتی راجع به آن جمع‌آوری کرده و درباره‌ی آن فکر می‌کنند. مسائلی که حین آموزش، آن‌ها را با مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی خود آشنا کرده و به آن‌ها می‌آموزد که چگونه فکر کنند، عمل کنند و در نهایت در آینده چه‌طور زندگی کنند. لازم است مسائل نظری محض ریاضیات با عمل آمیخته شود تا کاربرد آن مشخص شود و بتوان به‌طور ملموس در زندگی آن را آموخت. برای این کار لازم است معلمی فکور و هنرمند برای آموزش این نظریه‌ها، فرمول‌ها و قاعده‌های خشک و بی‌روح، مصداقی در واقعیت بیابد که هم درس زندگی برای دانش‌آموزان باشد و هم در لایه‌لای آن قاعده‌هایی آموزش داده شود که لازمه‌ی هر کلاس درسی است.

۲. فراهم کردن فضایی باز برای صحبت کردن و نقد کردن: در صورتی که در

یک کلاس فضای آزاد توأم با آرامش و به دور از ترس از انتقاد وجود داشته باشد، دانش‌آموزان می‌آموزند که به راحتی حرف خود را بزنند، نظر مخالف را بشنوند و برای یکدیگر احترام قائل شوند یا وجود چنین فضایی اعتماد به نفس دانش‌آموزان افزایش می‌یابد و قدرت ابراز وجود و نظر دادن را کسب خواهند کرد. وجود فضای باز در کلاس، به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد تا پاسخ‌های درست یا نادرست خود را بدون اضطراب طرح کنند، درباره‌ی پاسخ‌های مختلف مسئله فکر کنند و با بحث و گفت‌وگو پاسخ‌های نادرست را از درست تشخیص دهند. آن‌ها باید بیاموزند هیچ پاسخی را بدون فکر کردن نپذیرند، حتی به آن چه معلم می‌گوید متفادانه نگاه کنند و از فکر و عقیده‌ی خود در انتقادهایشان، کمک بگیرند و یا استدلال و منطق آن را اثبات کنند.

۳. از بین بردن اضطراب ریاضی دانش‌آموزان: برای کاهش این اضطراب، لازم

است برای دانش‌آموز، حتی برای پاسخ‌های غلط او ارزش قائل شد و هرگز نباید او را مسخره کرد یا نسبت به تلاش فکری او بی‌اعتنا بود. باید برای هر پاسخی (اعم از درست و نادرست) توضیحی از دانش‌آموز خواسته شود تا او دلایل و تحلیل خویش را برای پاسخش بیان کند. گاه روش‌های پیشنهادی خلاقانه است و باید امتیازی برای خلاقانه اندیشیدن دانش‌آموز در نظر گرفت. مهم این است که دانش‌آموزان به مسئله فکر کرده باشند و بی‌دلیل و مقلدانه مسائل را حل نکرده باشند.

۴. دادن نقش معلم به دانش‌آموزان: لازم است دانش‌آموزان جایگزین معلم شوند و

برای توضیح مسائل نقش معلم را ایفا کنند و به زبان ساده و آن گونه که خود مسئله را درک می‌کنند آن را برای خود و همکلاسی‌هایشان بازگوئی کنند. این کار موجب می‌شود آن‌ها دقیق‌تر به مسائل نگاه کنند و با موشکافی آن‌ها راحت‌تر پاسخ دهند چرا که اولین و اساسی‌ترین گام در حل مسائل، فهم دقیق آن‌هاست.

و نوشتن در کلاس و حفظ کردن مطالب و حل تمرین‌های مشابه در خانه است. کمتر به دانش‌آموز اجازه داده می‌شود که به آن چه در کلاس گفته می‌شود فکر کند، درباره‌ی آن نظر دهد و یا راه‌حلی پیشنهاد کند در کلاس‌های ریاضی بیشتر وقت کلاس به حل مسائل توسط معلم می‌گذرد، در حالی که باید فرصت بیشتری برای بحث درباره‌ی موضوعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفته شود تا ارتباط بین آن‌ها و ریاضیات برای دانش‌آموزان ملموس و قابل فهم باشد.

در روش گفت‌وگو، روش‌های سنتی، معلم نقش کمتری در ارائه‌ی مطالب دارد و در کلاس هماهنگ‌کننده و هدایت‌کننده‌ی بحث است. دانش‌آموزان به منزله‌ی اعضای یک گروه دور هم جمع می‌شوند و راجع به مسئله‌ای که معلم در قالب مسائل اجتماعی و فرهنگی طرح می‌کند بحث می‌کنند و نظر می‌دهند. آن‌ها با آمادگی در کلاس حاضر می‌شوند تا نظر خود را ابراز کرده، آن را تحلیل کنند و به نظرات دیگر اعضای گروه نیز گوش داده و متفادانه آن‌ها را نقد کنند، در حالی که برای نظر یکدیگر احترام قائل‌اند. در این روش، وظیفه‌ی اصلی معلم طرح هنرمندانه و دقیق مسئله است تا کنجکاوی دانش‌آموزان را برای یافتن پاسخ برانگیزد و برخلاف آموزش بانکی که در آن به انتقال اطلاعات از معلم به دانش‌آموزان بسنده می‌شود، وظیفه‌ی معلم نخست طرح دقیق سؤال و سپس هدایت بحث و گفت‌وگو پیرامون موضوع تا دستیابی به پاسخ‌های محتمل برای آن است. در این روش گاه معلم، در حین گفت‌وگو، مطالبی از دانش‌آموزان یاد می‌گیرد. بنابراین دوگانگی میان معلم و شاگردان از بین می‌رود و الگوی سنتی و دوگانه‌ی معلم شاگردان و شاگردان معلم به الگوی متحد و یگانه‌ی معلم - شاگرد تبدیل می‌شود، بدین معنا که معلم و شاگردان هر دو مسئول فرایند یادگیری خواهند بود.

ماه مهر، ماه دوستی‌ها و مهرورزی‌ها، چند روزی بود که آغاز شده بود با توکل بر خدا و گرفتن ابلاغ وارد مدرسه شدم. در دفتر، همکاران مشغول خوردن چای بودند. مدیر مدرسه (آقای مجد) به گرمی از من استقبال کرد و پرسید: «چند سال سابقه‌ی تدریس دارید؟»

- حدود ۱۰ سال در رشته‌ی ریاضی...
- ما ساعت ریاضی کم داریم، ولی سعی می‌کنم ساعت شما را پر کنم.

در همین موقع، زنی که چادرش را جمع‌وجور می‌کرد سراسیمه وارد دفتر شد. پوشه‌ای در دست داشت و بسیار رنگ‌پریده بود گفت: «آقای مجد را می‌خواهم...»
- بله بفرمایید خودم هستم.

زن با صدای لرزان گفت: «تو را به خدا نام بچه‌ی مرا بنویسید هر جا او را می‌برم می‌گویند به مدرسه‌ی شما می‌خورد به خدا دو روز است که از کارفرما اجازه گرفته‌ام و سرکار نرفته‌ام.»
- ولی خانم ما جا نداریم.

نگاهی به زن انداختم و پوشه را از او گرفتم. روی پوشه نوشته بود: نام: علی - نام پدر: سیف‌الله (فوت کرده) - وضعیت جسمی: بیماری صرع دارد.

انگشت خود را زیر جمله‌ی «پدرش فوت کرده» بردم و آن را به آقای مجد نشان دادم. نگاهی کرد و گفت: «باشد، حالا ببینم چه کار می‌توانم بکنم.»

بعد آقای کریمی، معاون مدرسه را صدا کرد و پس از دین چند ورق، پوشه را گرفت. و روی ورقه‌ای نوشت کلاس ۱/۳ - و او دانش‌آموز مدرسه شد.
هنگام بیرون رفتن از دفتر، مادر دانش‌آموز نگاهی کرد و گفت: «آقا ممنون!»

کلاس علی در برنامه‌ی درسی من بود وقتی به کلاس رفتم، کنجکاو بودم که علی را ببینم. هنگام حضور و غیاب نام او را خواندم. پسری ریزنقش با رنگ پریده و لباس‌های نامناسب بود دلم لرزید! خیلی فعال، باهوش و با ادب بود. به بهانه‌ی دیدن دفترش، نزد او رفتم. بلند شد.
- بشین.



سید ابراهیم حسینی

آقا، شما خیلی خوب هستید!

سید ابراهیم حسینی

دبیر ریاضی

رشد آموزش
راهمایی
تحصیلی

لیخندی زد.

«آخرین دست‌خط خوبی داری. مسئله‌ها را هم که حل کردی. از کسی کمک می‌گیری؟»
«آقا خودم حل کردم.»

زنگ که خورد از پنجره به حیاط نگاه کردم. گوشه‌ای ایستاده بود به تماشای بچه‌ها. احساس کردم خیلی تنهاست و با کسی دوست نیست.

در مورد او، با همسر که دبیر است، مشورت کردم. گفت: «بهتر است که به او نزدیک شوی و اعتماد او را جلب کنی! من هم با مادرش صحبت خواهیم کرد.»

چند روز بعد که در دفتر نشسته بودم، صدای همه‌همی بچه‌ها را شنیدم. مدیر به سرعت از دفتر خارج شد و من هم به دنبال او. علی روی زمین افتاده بود می‌لرزید و کف از دهانش خارج می‌شد بچه‌ها دور او جمع شده بودند. با صدای بلند گفتم: «دور او را خلوت کنید!»

خم شدم، او را بغل کردم. به دفتر آوردم و روی صندلی خواباندم. با دستمال دهان او را پاک کردم.

چشم که باز کرد، گفت: «آقا بیخشیب»
دستی سوش کشیدم و به او آب‌قند دادم.
«آقا من اذیت کردم بیخشید»
گفتم راحت باش و بساز کمی آب قند به او دادم. گفتم: «خوبم آقا! اجازه می‌دهید برم سر کلاس؟»

«لازم نیست کمی بیش‌تر استراحت کن. بعد بیا سر کلاس منتظرت هستم.»
«باز هم مرا بیخشید آقا!»

همسر با مادرش صحبت کرد و با موافقت او، علی را نزد پزشک متخصص بردیم. وقتی که دکتر او را معاینه کرد و علت را فهمید، داروهای لازم را نوشت و دستورات غذایی داد. بعد آهسته مرا صدا زد و گفت: «علی کمبود غذایی زیادی دارد. باید به او بیش‌تر رسیدگی بشود.»

بعد از تهیه‌ی دارو، همسر به خانه‌ی آن‌ها رفت و داروها را برد. مادر علی هم برای او داستان زندگی‌اش را تعریف کرد.

علی پدرش را در یک حادثه‌ی تصادف از دست داده و راننده فرار کرده بود. چون شغل

پدرش دست‌فروشی بود و منبع درآمدی نداشت، به ناچار مادر در لباس شویی بیمارستانی مشغول به کار شد. علی و حسین برادرش، در اتاق کوچکی که اجاره کرده بودند تنها بودند. مادر که عزت‌نفس بالایی داشته می‌گفت: «می‌خواهم با دسترنج خودم، بچه‌ها را بزرگ کنم تا در آینده سرخورده نشوند.»

در جلسه‌ای که با مدیر، معاون و رئیس انجمن داشتیم، موضوع را گفتم. آن‌ها بسیار متأثر شدند. رئیس انجمن، آقای علایی که فردی خیر و بسیار متدین بود، قول داد که در اسرع وقت کاری کند و ما را در جریان بگذارد.

علی هر روز رنگ پریده‌تر و ضعیف‌تر می‌شد و مادرش هم با گرفتن کمک مالی موافق نبود. در درس‌ها بیشتر با او کار می‌کردم. گاهی از مدرسه تا خانه با او می‌رفتم و در راه با هم شکلات و بستنی می‌خوردیم و با هم صحبت می‌کردیم. نگاهش به زندگی رنگ تازه گرفته بود. خیلی خوش حال بود و از ته دل می‌خندید و من لذت می‌بردم.

روزی علی به من گفت: «آقا ما شما را خیلی دوست داریم. وقتی با شما هستیم، خیلی راحتیم. آقا شما خیلی خوب هستید.»
و اشک در چشمان پاک و پر از نیاز به محبتش پر شد.

آقای علایی چند هفته بعد به مدرسه آمد. وقتی مرا دید، خوش‌حال و خندان جلو آمد و با لیخند گفت: «خدا بخواند و اگر قبول کند جای خوبی برای آن‌ها پیدا کردم. مادر یکی از تاجره‌های معروف در خانه‌ی تنها زندگی می‌کند و کسی را می‌خواست که با او باشد. ماهیانه هم مبلغی می‌دهد و بچه‌ها را هم قبول کرده است. من خودم بقیه‌ی کارها را تضمین می‌کنم.»

مادر علی که زنی تنها و جوان با دو بچه بود خیلی سخت قبول کرد و من و همسر، او و بچه‌ها را به خانه‌ی جدیدشان بردیم. خانه‌ی نسبتاً بزرگ با تمام امکانات رفاهی که زنی میان‌سال، تنها و خیلی مهربان در آن زندگی می‌کرد.

تنها پسر او که در خارج از کشور بود هزینه‌ی زندگی او را تأمین می‌کرد.

آن خانم با مهریانی به سوی حسین رفت. او را بغل کرد و از روی میز شکلات و شیرینی به او داد. بعد نگاهی به علی کرد و پرسید: «پسرم کلاس چندم هستی؟»

وقتی فهمید علی در پایه‌ی اول راهنمایی درس می‌خواند لیخندی زد و گفت: «خودم در درس‌ها بهت کمک می‌کنم» و به سرش دستی کشید. وقتی به مادر علی نگاه کردم، در چهره‌اش نگرانی نبود و لیخندی بر لب داشت. چند روزی از جابه‌جایی آن‌ها می‌گشت. همسر به دیدن آن‌ها رفت و خیلی خوش حال از دیدن آن‌ها برگشت و گفت: «خدا را شکر! مادر علی آرامش پیدا کرده و حسین با آن خانم انس گرفته و با شیرین‌زیانی خود شادی به خانه آورده است. علی هم بهبودی نسبی پیدا کرده و شادتر و با روحیه‌ای بسیار خوب و امیدوار، به همه‌ی ریهایی‌های زندگی لیخند می‌زند.»

و من خدا را شکر می‌کنم که این خانواده، مورد حمایت خانواده‌ی خوب و متدینی قرار گرفته و زندگی برای آن‌ها سبز شده است و هر روز بهتر از روز قبل می‌شود.

آن سال علی شاگرد اول مدرسه و حافظ ۵ جزء قرآن شد و من بسیار خوش حال از این که نگاه او به زندگی متفاوت شده است!

علی هروقت سرا می‌دید، با لیخند و چشمانی پر از امیدواری می‌گفت: «آقا من شما را به اندازه‌ی پدرم دوست دارم! خیلی ممنون هستم شما خیلی مهربان هستید.»

و من از خدا می‌خواهم که باری‌ام کند، شاید بتوانم گوشه‌ای از کمبود پدرش را جبران کنم.

اکنون سالیان زیادی گذشته است و علی مهندس شرکت نفت و حسین جراح مغز و اعصاب است و مادرشان با افتخار و سربلندی با آن‌ها زندگی می‌کند. هنوز علی هم در کارها با من مشورت می‌کند و من هم او را راهنمایی می‌کنم و مشوق او در همه‌ی مراحل زندگی هستیم. او همیشه با نگاه و لیخندی به فشنکی همه‌ی گل‌های دنیا با من حرف می‌زند و من خوش حال از این که با عشق و علاقه به معلم بودن، در خانه‌ی مهرورزی (مدرسه)، دو انسان متعهد و واقعیت‌پذیر به جامعه تحویل دادم.



هفت گناه من

سید عبدالحمید میر حسینی

دبیر زبان انگلیسی

بر آن شدم که مطالبی «برای معلمان» و «با زبان معلمی» بنویسم از نوعی دیگر و غیر از آن چه تا به حال «گفته‌اند و شنیده‌ایم و خوانده‌ایم». البته این خود تناقضی است که با زبان رایج معلمی بتوان چیزی نوشت، غیر از آن چه در بازار نوشتن و خواندن و گفتن و شنیدن رایج است! با این حال، از آن جا که در ده سال گذشته که «از قضای روزگار» به تدریس پرداخته‌ام، غالباً (ولی نه همیشه) مشتاق بودم که به قول خواجه حافظ «از خلاف آمد عادت». گام بردارم و لذا فکر کردم از لایه‌لای این پراکنده‌کاری‌ها، شاید بتوان چیزی یافت که حرفی نو برای کسانی داشته باشد که آن‌ها هم «از قضا» به وادی معلمی وارد شده‌اند.

از طرف دیگر، زمانی، چیزهایی هم درباره‌ی دغدغه‌های «معلمان» نوشته بودم که ظاهراً خاطره‌ای خوش از چالش‌های آن نوشته‌ها در ذهن انگشت‌شمار خوانندگانشان باقی مانده است. پس شاید هنوز هم چیزهایی از آن دست در چنته داشته باشم. به سراغ آن نوشته‌ها رفتم و دو سه نمونه از آن‌ها را لایه‌لای انبوه کاغذپاره‌هایی که از سال‌های قبل انباشته شده بودند، پیدا کردم. در یکی از آن‌ها که در نشریه‌ای یا تاریخ شش سال پیش چاپ شده بود، نکات زیر جلب نظر می‌کرد: «از نظرگاه نقادانه، آموزش را به طور کلی می‌توان به دو نوع تقسیم‌بندی کرد: نخست آموزش سنتی که می‌توان آن را آموزش برای «اهل سازی» نامید. محصول چنین نظام آموزشی، افرادی هستند که همیشه منتظر دستورند و هیچ‌گاه قادر نیستند به سوی هیچ تغییر و بهبودی در جامعه حرکت کنند. در مقابل آموزش اهلی‌ساز، نوع دوم آموزش قرار دارد که... به جای جمع‌آوری اطلاعات، بر یادگیری «خودانگیز» تأکید می‌ورزد و مشوق «پرسش‌گری فعال» و «جست‌وجوگری» است». با نگاه امروز، در این نوشته، چندان چیزی از نوعی دیگر و غیر از آن چه هزار بار «گفته‌اند و شنیده‌ایم و خوانده‌ایم» نیافتم. خود را تصور کردم که در آن زمان از لایه‌لای کتاب‌ها

برای «تحول اساسی» در آموزش و پرورش باید از این حرف‌ها گفت و شنید

و مجلات گوناگون این سخنان تغز را «کشف» کردم و به کسانی دادم که آن‌ها را حرف‌های جدیدی در حیطه‌ی آموزش یافتند و با اشتیاق در نشریه‌ی مذکور چاپ کردند. البته در آن زمان واقعاً باور داشتم که این‌ها نکات ارزشمندی است و برای «تحول اساسی» در آموزش و پرورش باید از این حرف‌ها گفت و شنید اما چنین حرف‌های فریبنده‌ای چیزی نیست که «از زبان معلمی» و برای «معلمان» نوشته شده باشد و بتوان از معلمان مدارس کشور انتظار داشت که حتی یک‌بار آن را بخوانند پس چه باید گفت؟!

نگاه دوباره‌ای هم به چند شماره‌ی اخیر مجله‌ی «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» انداختم تا لاقابل‌بینم چه نباید گفت! نوشته‌های «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» هم غالباً (البته نه همه) بازگوکننده‌ی ماجراها و دغدغه‌های دیگری از نویسندگان خود بودند که فریاد این دغدغه‌ها مانع از به گوش رسیدن صدای خود نوشته‌ها می‌شد.

پس ظاهراً چیزی برای نوشتن باقی نمی‌ماند که هم توسط معلمان خوانده شود هم جدی گرفته شود و هم با «زندگی معلمی»، با تمام ویژگی‌هایی که در نظام آموزش و پرورش کشورمان دارد مرتبط باشد مگر این که اساساً دریاره‌ی چیزی غیر از معلمی و یا حتی ضد معلمی به گونه‌ای که می‌شناسیم باشد با رسیدن به این نکته، به یاد مطلبی اقتصادم که در روزنامه دیده بودم و مرا به یاد ایوان ایلچ و ماجرای «مدرسه‌زدایی» او انداخت [Illich, 1970]. محتوای مطلب روزنامه اجمالاً این بود که نوزادانی که با شیر مادر تغذیه می‌کنند در دوران مدرسه موفق‌تر هستند و احتمال قبولی آن‌ها در کنکور بیشتر است! ایلچ

باید این مطلب را می‌خواند تا بفهمد که در جامعه‌ی ما، نه تنها مدرسه و افکار مدرسه زده‌ی متجمد زنده نشده است، بلکه مدرسه‌زدگی در تمام ابعاد زندگی ما رسوخ کرده است. عمق این رسوخ تا حدی است که حتی در شیر دادن به نوزاد نیز به جای اندیشیدن به سلامت و رشد امروز او، به مدرسه و کنکور «نافردا»ی او فکر می‌کنیم. پس نیاز به «مدرسه‌زدایی از جامعه»، امروز بیش از هر زمانی وجود دارد و در این راه شاید «معلم زدایی» مهم‌ترین دغدغه‌ی پیش رو باشد.

زدودن بسیاری از جنبه‌های ذهن و زبان و رفتار معلمی به صورت رایج و مسلط آن در جامعه‌ی امروز (و البته نه معلمی از سنخ شغل انبیا که امروز بسیار نادر است)، امری است که حداقل ارزش مطرح شدن را دارد. آن چه در جریان «معلم‌زدایی» اهمیت دارد زدودن گناهان معلمی است که باید از آن‌ها توبه کرد از این‌رو، در ادامه‌ی این بحث، به هفت گناه معلمی خواهیم پرداخت که البته زدودن آن‌ها نه فقط به عهده‌ی معلمان، بلکه نیازمند به هم پیوستن «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» است، و آن گناهان این‌هاست: «بی‌پولی»، «درس دادن»، «هدایت‌گری و الگو بودن»، «ارزش‌یابی کردن»، «بی‌ربط بودن به زندگی»، «جامعه‌پذیری» و «دانش‌آموز نبودن».

زیرنویس

• از خلاف آمد عادت به طلب کارم که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

منبع

+Illich, I. (1970). *Deschooling Society*. New York: Harper & Row.

معلم: همه درس‌ها را به عهد شباب
 بخواندم، نیاور برایم کتاب!
 نیازی به افزودن علم نیست
 به حاضر جوانی، هم‌اورد کیست؟



تصویر ساز: مهدی رضائیان

اندر حکایت دیران بی مطالعه

دانش‌آموزان: چرا و چگونه؟ کی و چی؟ کجا؟
 بگو پاسخ پرسش ما به‌جا!

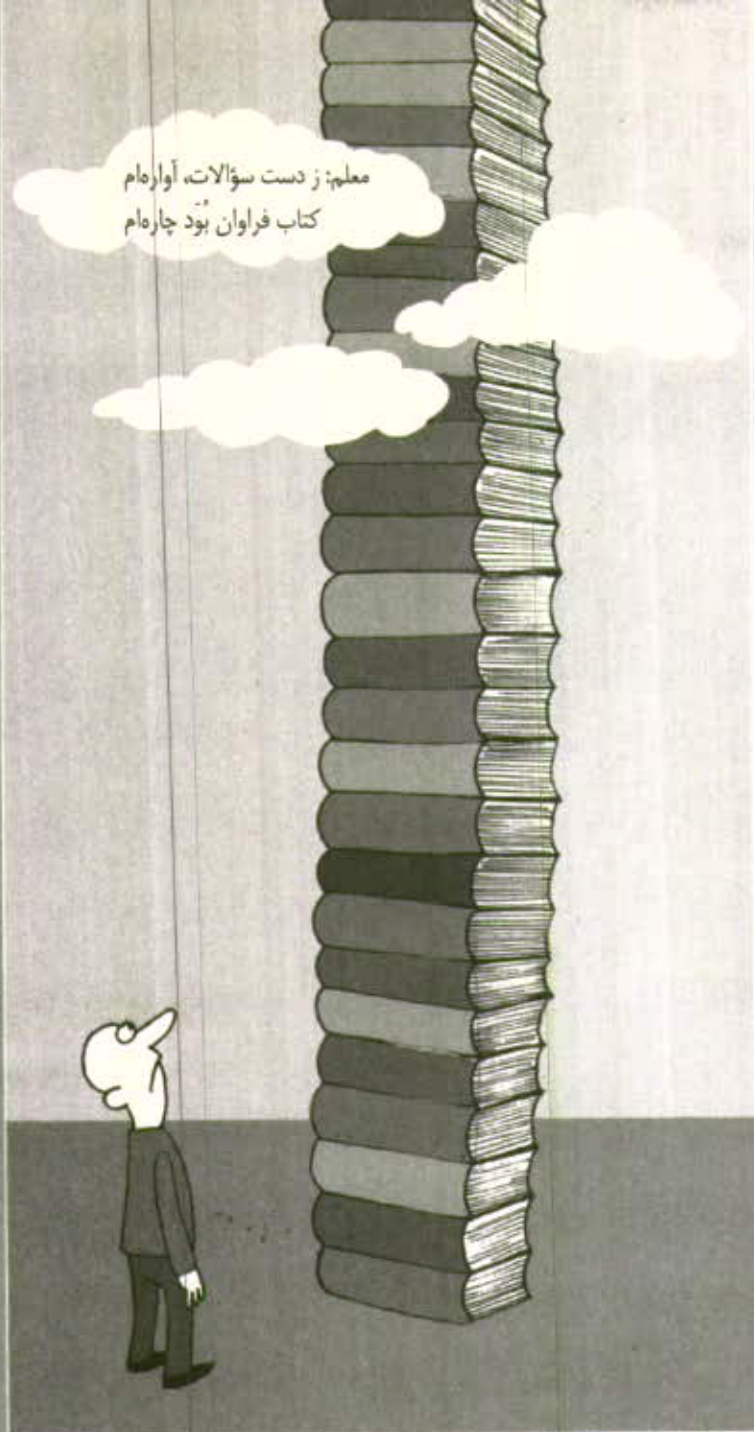


معلم: ز پرسش سه شد جهان در بر
 مگر به کتابی پناه آورم

معلم: ز موضوع پرسش جو آگه شدم
 کتابی بیابم، کنون شه شدم



معلم: ز دست سؤالات، آوارهام
کتاب فراوان بُود چاره‌ام

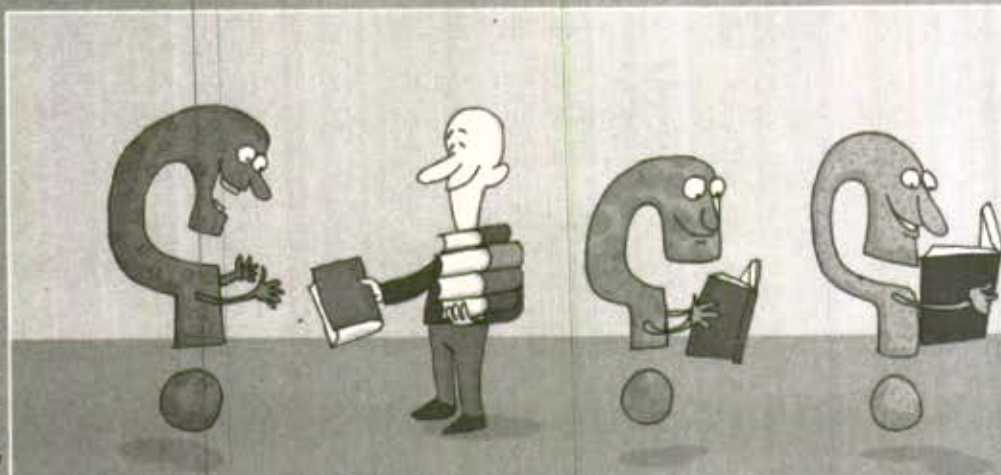


معلم: بیابم جواب سؤالات را
جواب همه جمع حالات را



معلم: سؤالاتان از چه تغییر کرد؟
مخم در جواب شما گیر کرد
سؤالات دیروز، چیز دگر
کنون مبحث سخت و ریز دگر؟

معلم: همه کودکان جور من می‌کشند
پر از شور، چون شعله‌ی آتشم
جواب سؤالات پیدا شود
مرا راحتی‌ها هویدا شود



مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران



اشاره

اتحادیه‌ی بین‌المللی نجوم، سال میلادی ۲۰۰۹ را با شعار «جهان برای کشف از آن تو» به‌عنوان «سال جهانی نجوم» برگزیده است. سال جهانی نجوم (۲۰۰۹ میلادی) یادبودی از چهارصدمین سالگرد نخستین مشاهده‌ی نجومی به‌وسیله‌ی تلسکوپ است که گالیله انجام داده است.

«رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» نیز تصمیم گرفت به مناسبت سال جهانی نجوم، مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران را معرفی کند.

این مرکز در یکی از بهترین مناطق شهر تهران، در باغ بزرگ و زیبایی به وسعت شش هزار مترمربع قرار دارد. مرکز با سه‌هزار مترمربع زیربنا، با هدف آشنایی دانش‌آموزان، دانشجویان، دانش‌پژوهان و عموم مردم با علوم پایه و ستاره‌شناسی به‌صورت عملی، در دو طبقه و در محیطی زیبا و جذاب به‌خصوص برای دانش‌آموزان طراحی و احداث شده است.

آشنایی با مرکز

وی می‌افزاید: «بسته‌های علمی این مرکز، اعضای هیئت علمی و استادان برجوار دانشگاه‌های تهران در رشته‌های علوم پایه و ستاره‌شناسی هستند که به‌صورت پیوسته، مرکز را از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های علمی خود بهره‌مند می‌سازند.»

بزرگ‌ترین تلسکوپ عمومی شهر

مدیر مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران در ادامه می‌گوید: «بزرگ‌ترین تلسکوپ عمومی شهر و تلسکوپ ۱۲ اینچ با قدرت عکس‌برداری بسیار بالا، در این مرکز قرار دارد که توان رصد روزانه‌ی خورشید و رصد شبانه‌ی همه‌ی بدنه‌های قابل رؤیت در آسمان شهر را داراست.» وی اضافه می‌کند: «امکانانی فراهم شده است تا افراد

به همراه والدین و اعظم لاریجانی، عکاسی محله، به این مرکز سری می‌زنیم تا از نزدیک گزارشی از مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران، به شما مخاطبان عزیز تقدیم کنیم. در ابتدای ورودمان به این مرکز، به اتاق سیداحمد علوی، مدیر مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران می‌رویم و با وی به گفت‌وگو می‌نشینیم.

علوی در ابتدای صحبت خود به تاریخ و چگونگی تأسیس این مرکز اشاره می‌کند و می‌گوید: «این مرکز را سازمان زیباسازی شهر تهران، با بسته‌های علمی مهندس احمد دالکی، بنیان‌گذار و پدر علم نجوم اماتوری ایران، در سال ۱۳۷۹ تأسیس کرده است و در حال حاضر به معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه یک تهران وابسته است.»



عکاسی: اعظم لاریجانی

تالار کیهکشان، ساعت آفتابی و رصدخانه است. در تالار کیهکشان، بازدیدکنندگان در مکانی خیال انگیز، با صور فلکی آسمان، ستارگان، سیارات و دیگر اجرام سماوی به صورت سمعی و بصری آشنا می‌شوند.

وی می‌افزاید: «در سالن ترازوها، انسان می‌تواند وزن خود را در زمین، ماه، مریخ، مشتری و خورشید اندازه بگیرد».

یعقوبی در ادامه می‌گوید: «رصدخانه‌ی مرکز، با گنبدی به تلسکوپ ۱۲ اینچ بازتابی مدل «MEADE LX200EM» مجهز است که قابلیت اتصال به رایانه، تصویربرداری و عکس‌برداری با دو نوع CCD پیشرفته‌ی نجومی را داراست».

وی می‌افزاید: «علاوه بر تلسکوپ رصدخانه، چهار تلسکوپ ۴/۵ و ۱۰ اینچی قابل حمل و دوربین دوچشمی برای رصدهای خارج شهر نیز در این‌جا موجود است».

● مجموعه‌ی شیمی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و هواشناسی

بخشی از امکانات این مجموعه، آزمایش‌های شیمی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و هواشناسی، مدل DNA قفسه‌ی سنگ‌ها و جعبه‌ی اسکرین است.

● برنامه‌های مرکز

رصدهای روزانه و شبانه، برگزاری رصد پدیده‌های خاص، مراسم نجومی، بخش اسلاید و فیلم، برگزاری

در رده‌های متفاوت تحصیلی، با مفاهیم علوم پایه آشنا شوند و از نزدیک ابزار را لمس کنند؛ مفاهیم علمی مثل: ستاره‌شناسی، فیزیک، شیمی، ریاضی و زیست‌شناسی، در این‌جا دو کارگاه داریم: کارگاه‌های خلاقیت و مکانیک و دو تالار: تالارهای تفکر و ترازوها. البته تالار آسمان‌نما یا کیهکشان راه شیری مرکز نیز تالاری منحصر به فرد در کشور است که آقایان دکتر تاجبخش و مهندس دالکی آن را طراحی کرده‌اند».

● بخش‌های مرکز

با راهنمایی خانم یعقوبی، مدیر روابط عمومی، و خانم زهرا مبینی، مدیر بخش علمی و رصدخانه‌ی مرکز، بازدیدمان را شروع می‌کنیم. ابتدا وارد بخش فیزیک می‌شویم.

● بخش فیزیک

خانم مبینی که دانشجوی دوره‌ی دکترای فیزیک نیز است، توضیحات خود را درباره‌ی بخش فیزیک مرکز چنین آغاز می‌کند: «در این مجموعه، بیش از ۴۰ آزمایش فیزیک در زمینه‌های مکانیک، نور، صوت، الکترواستاتیک و... طراحی شده‌اند که به صورت عملی قابل استفاده‌اند. از جمله آزمایش‌های بخش مکانیک می‌توان به صندلی چرخان، ژيروسکوپ‌ها و ترن هوایی اشاره کرد که توصیف‌کننده‌ی لختی دورانی و پایداری انرژی هستند».

خانم مبینی در ادامه می‌گوید: «در بخش نور، با انواع آینه، عدسی، منشور و قوانین مربوط به آن‌ها آشنا می‌شوید. در اتاق تاریک، آزمایش‌هایی با لیزر طراحی شده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان هولوگرافی و تداخل سنجی مایکسون-مورلی را نام برد. در بخش صوت، آزمون صوت و خلأ، اتاق بدون پژواک و آزمون سرعت صوت، آزمایش‌های این قسمت را تشکیل می‌دهند».

● تالار تفکر

در این مجموعه، بازدیدکنندگان در همه‌ی رده‌های سنی، با حل معماهای متنوع، خلاقیت ذهن خود را می‌آزمایند. فضاهای غیرمعمول و اشیای خاص، شما را به اندیشیدن وامی‌دارد. بیش از ۱۲ دستگاه در این‌جا وجود دارد؛ از جمله: برج برهما و بند در بند.

● مجموعه‌ی ستاره‌شناسی

خانم یعقوبی، مدیر روابط عمومی مرکز، درباره‌ی مجموعه‌ی ستاره‌شناسی می‌گوید: «این مجموعه شامل

همایش های نجومی، نمایشگاه عکس و مسابقات نجومی، از جمله فعالیت های مجموعه ی ستاره شناسی هستند.

• دوره های آموزش مرکز علوم

به گفته ی سیداحمد علوی، کلاس ها و دوره های آموزشی نجوم برای گروه سنی کودکان، جوانان و بزرگسالان، در سطوح مقدماتی و پیشرفته برگزار می شود. از جمله دوره های پیشرفته می توان به کیهان شناسی، اختر فیزیک و آمادگی المپیاد نجوم اشاره کرد.

دوره های آموزشی دیگر مرکز، عبارت اند از: کارگاه ربانیک، کارگاه پژوهشی هوا فضا، و کارگاه خلاقیت. از دیگر فعالیت های آموزشی مرکز علوم می توان به برگزاری کارگاه های یک یا چند روزه (به صورت تخصصی و عمومی)



مرکز علوم و ستاره شناسی تهران دارای انجمن «NGO» علمی - نجومی بالغ بر ۱۰۰ عضو است. اعضای این NGO با مشارکت در اجرای برنامه ها و ارائه ی ایده های جدید، مرکز را یاری می دهند. علاقه مندان می توانند به عضویت این گروه درآیند و در فعالیت های آن شریک شوند.

برای رصد برخی از پدیده های نجومی که امکان آن ها در رصدخانه ی مرکز وجود ندارد، گشت هایی با تجهیزات رهندی و راهنمایی رصدگران این برنامه ها انجام می شود که جزئیات آن ها از طریق خرابد و سایت مرکز به اطلاع عموم علاقه مندان می رسد.

نحوه ی بازدید از مرکز

علوی می گوید: «بازدید از مرکز علوم و ستاره شناسی تهران برای عموم آزاد است و عموم مردم می توانند هر روز از ساعت ۸:۳۰ دقیقه ی صبح تا ۴ بعدازظهر، از مرکز بازدید کنند.»

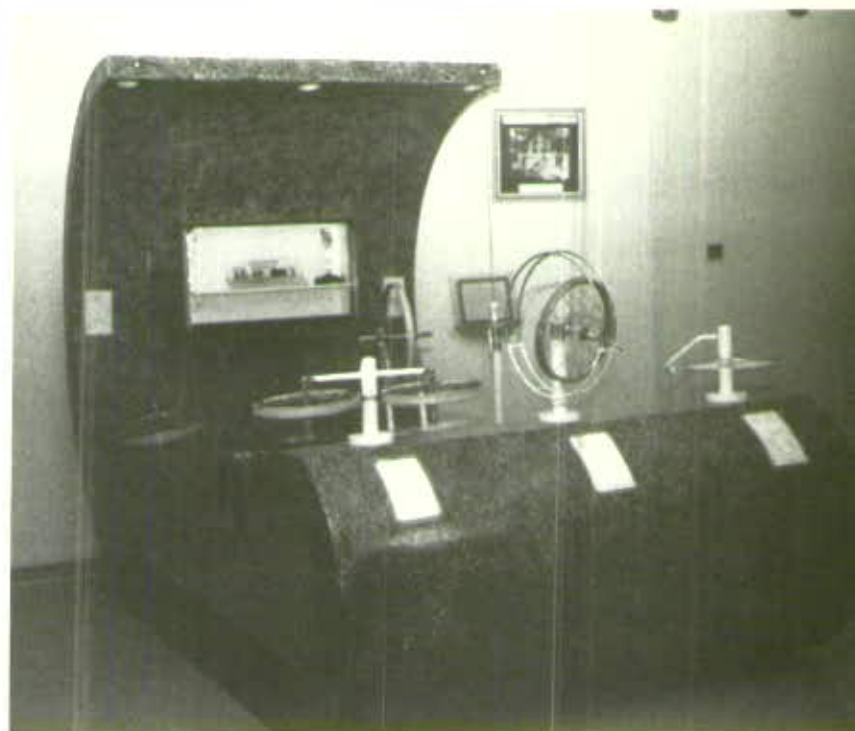
وی می افزاید: «روزهای سه شنبه و پنج شنبه ی هر هفته، از ساعت ۸ شب، رصد عمومی شبانه در این مرکز انجام می شود.»

مدیر مرکز علوم و ستاره شناسی تهران، هزینه های بازدید از مرکز را برای هر نفر پنج هزار ریال اعلام می کند و می گوید: «هزینه ی رصدهای شبانه برای هر نفر بیست هزار ریال است که اگر مدارس و مراکز آموزش عالی بخواهند به صورت گروهی بازدید کنند و رصدهای شبانه داشته باشند، به آن ها تخفیف داده می شود.»

وی در ادامه می گوید: «در تابستان، قضا برای بازدید شهرستانی ها از این مرکز فراهم تر است و دانش آموزان و دانشجویان شهرستانی می توانند به صورت گروهی، البته با رزرو کردن زمان بازدید، از این مرکز دیدن کنند و از تخفیف بسیار زیادی که به آن ها داده می شود نیز استفاده کنند.»

آقای علوی، با بیان این که ما آمادگی داریم دوره های آموزشی این مرکز را در مدارس و دانشگاه ها برگزار کنیم، می افزاید: «در حال حاضر، روزانه ۴۰۰ نفر از این مرکز بازدید می کنند.»

وی در پایان می گوید: «متقاضیان استفاده از امکانات این مرکز در حال حاضر می توانند از طریق سایت شهرداری منطقه ی یک تهران و تماس با شماره تلفن های مرکز (۲۲۸۰۵۰۰۶ و ۲۲۲۹۳۳۸۰) هماهنگی های لازم را به عمل آورند. لسالی استرسی مرکز، www.sacttehran.ir می باشد.»



در داخل و خارج از مرکز، برگزاری دوره های آموزشی در واحدهای آموزشی خارج از مرکز و... نیز اشاره کرد.

• برگزاری سمینارها و گشت های علمی

از جمله فعالیت های جنبی مرکز علوم و ستاره شناسی تهران، برگزاری سمینارهای دانش اموزی و دانشجویی در خصوص موضوعات گوناگون علمی، به ویژه نجوم، برگزار داشت مقام استادان و دانشمندان (ملاصدرا، ابوریحان بیرونی و...) نکوداشت مقام اندیشمندان معاصر و برگزاری جلسات علمی است.

شما در روایتی با این مسئله چه می‌کنید؟ چرا؟

«ممن» تفسیر

من: به دفتر برمی‌گردم و همراه ناظم مدرسه به کلاس می‌آیم.

نیکو منتظر

من: با یک فریاد آن‌ها را سر جای‌شان می‌نشانم.

من: با شلوغی و هیجان آن‌ها با موضوع درسم همراه می‌شوم.

من: دقایقی با سکوت رو به روی آن‌ها می‌ایستم و نگاهشان می‌کنم تا مرتب شوند.

● با انتخاب یکی از گزینه‌ها و یا طرح پاسخ خود با ذکر دلیل، نظرتان را به دفتر مجله ارسال کنید.

سه رفتار ممنوعه!

از واقعیت‌های مسلم
زندگی ما آدم‌ها، «اشتباه کردن»
است. رفتاری که در عین درد و
رنجی که ایجاد می‌کند، نحوه‌ی
تعامل با آن انسان‌ساز است. ابتدا لازم
است بر سر معنای اشتباه کردن مفاهیمی
با هم داشته باشیم.

اول این که اشتباه جزء لاینفک وجود ما انسان‌هاست. با
وجود همه‌ی سعی و دقتمان، باز هم اشتباه می‌کنیم. پس حذف اشتباه، امری
است غیر ممکن و بنابراین باید یاد بگیریم چگونه با آن زندگی کنیم.
دوم، حتی اوقات اشتباه در اثر ناآشنایی با موقعیت یا ندانستن تجربه‌ی کافی در رویارویی با یک
موضوع، یا کمی مهارت در کنترل مسئله‌ای و... پیش می‌آید به زبان ساده‌تر، فرد قصد انجام آن
را نداشته، بلکه شرایط به گونه‌ای جلو رفته که اشتباه اتفاق افتاده است. طبیعی است، هر قدر فرد
حواس‌تر و کم تجربه‌تر باشد، امکان بروز اشتباه بیشتر است.
سوم این که در بسیاری از موارد، امکان جبران اشتباه وجود دارد و در مواردی هم اشتباه
جبران‌پذیر نیست. در مواردی که امکان رفع آن وجود ندارد، کمترین توصیه غیرخواهی است و
زیاترین پاسخ بخشش. در بسیاری از موارد، این بخشش متوجه خود فرد است. یعنی یاد بگیریم که
خودمان را ببخشیم. از اشتباه خود در گذریم. این قدر نسبت به خود سخت گیر و بی رحم نباشیم. قدری
با خود مهربان‌تر، قهری با خود منصف‌تر.
و آخر این که، گاهی اشتباهات به مثابه دامن بلا یا خام‌یاست. افراد را به درد و رنج مبتلا می‌کند؛
ابتلائی که اگر درست هدایت شود، افراد را پخته‌تر می‌کند. اگر اشتباه رفع و جبران و یا پذیرش آن
به درستی صورت گیرد، خود وسیله‌ای ارزشمند در جهت رشد و تعالی است. اصلاً آدم‌شن «حسرت
ادم» هم در پی اشتباهانش رخ داد!

هر که در این نرم مقرب‌تر است... جام بلا بیشترش می‌دهند
با این مقدمه، ما بزم به رفتارهایی بپردازیم که ظاهراً برای رفع یا کنترل اشتباه صورت می‌گیرند، اما
خود از اساس خطا هستند؛ رفتارهایی که چنان در خزانه‌ی رفتاری و فرهنگ عمومی ما وارد شده‌اند
که ضربات و آفت‌شان دیده نمی‌شود؛ رفتارهایی که ناخواسته در میان والدین و ولیای تربیتی و معلمان
و راستش در همه‌ی سطوح اجتماع، مشاهده می‌شوند. رفتارهایی که باید در حوزه‌ی ممنوعه و در خط
قرمز قرار گیرند. ما این رفتارها آشنا شویم و اگر در کلام و عملمان است، آن‌ها را کنار بگذاریم.

مقایسه کردن

یکی از شایع‌ترین رفتارها مقایسه کردن است. در بسیاری از موارد، قصد معلم از مقایسه‌ی
دانش آموز با فرد دیگر، توجه دادن او به صفات مثبت فرد برتر است. می‌خواهد بگوید، به صفات خوب
این فرد نگاه کن و مثل او شو!

مثلاً می‌گوید: «تو چرا
نمی‌تونی مثل بقیه‌ی بچه‌ها
باشی! یه نگاهی به دور و برت
بنداز، همین بغل دستیت، چه قدر
کاراشو با نظم و دقت انجام میده، ببین
به دقه شده منه تو این جواری...»

گاهی اوقات لحن ملایم‌تر و ظاهراً جملات
نرم‌تر است، ولی عمل همان مقایسه است. مثلاً خطاب به

دانش آموزی که عملکرد خوبی در امتحان نداشته است، می‌گوید: «ببین

خانم جون، اگه این طور بیش بری، عاقبت خوبی در انتظارت نیست. هم کلاسیت خانم فلانی رو
ببین، چه قدر مرتب و خوب نونست خودشو بالا بکشه، اون، نمونه‌ی خوبی از رشد و موفقیت، خوب
شما هم ازش یاد بگیر، شما هم می‌تونن مثل ایشان بشی. مگه شما چیت کمتره...»

می‌توان تصویر این دانش آموز را در ذهن آورد که با سر افتاده، چشمانش به سمت هم کلاسی‌اش
می‌چرخد و ذهنش از افکاری متلاطم می‌شود که به او این پیام را می‌دهد که من نمی‌توانم مثل
او بشوم. اگر این مقایسه‌ها ادامه یابد، معمولاً فرد برتر به عنوان یک مصیبت، یک عامل سرکوفت
و یک عامل رضایت معلم، در نزد و ذهن دانش آموز ضعیف‌تر، نقش می‌بندد؛ تا جایی که می‌تواند
از این فرد متنفر شود.

از مقایسه باید پرهیز کرد، مقایسه کردن، بیش از آن که به فرد امکان تخمین فاصله‌ی خود را تا
مطلوب دهد، احساس ناکامی، عقب افتادگی و شکست را می‌دهد. یادمان نرود، همیشه در این دنیای
پهن‌آور آدم‌هایی پیدا می‌شوند که از ما موفق‌تر، ثروتمندتر، با تحصیلات بهتر، موقعیت‌های شغلی برتر
و زیباترند. بنابراین، به بیرون نگرستن می‌تواند ما را مضطرب و ناکام سازد.

خب، پس راهش چیست؟ اگر خود را با بیرون نسنجیم، پس از کجا پی ببریم در کجا
ایستاده‌ایم؟ پاسخ این است: «خودتان را با خودتان مقایسه کنید.» یعنی عملکرد فعلی خود را
با عملکرد قبلی خود مقایسه کنید. عملکرد دانش آموزتان را با دفعه‌ی قبل او بسنجید. اگر این بار
در امتحانش نمره‌ی بهتری گرفته است، حتی اگر به میزان نیم نمره باشد، به او بگویید: «آفرین! نه
تنها نمره‌ات کم نشده، بلکه نیم نمره بیشتر شده. ۱۲/۵ ات ۱۲/۵ شده. این نشان می‌دهد می‌توانی به
تدریج وضعت را بهتر کنی.»

اگر عملکرد پایین‌تری داشت، به او توجه دهید مثلاً بگویید: «دفعه‌ی قبل شما ۱۴ گرفتید، اما به
نظر می‌رسد این بار توانستی خوب مطالعه کنی و مناسفانه نمره‌ات نسبت به دفعه‌ی قبل ۲ نمره کمتر
شده. بررسی کن، ببین کجای راه را اشتباه رفته‌ای تا در امتحان بعدی بتوانی نتایج‌ات را بهتر کنی.»

سرزنش و تحقیر

یکی دیگر از رفتارهای شایع، سرزنش و تحقیر است. خیلی اوقات فرد از اشتباهی که مرتکب
شده، خود برهانش و افسرده حال است، زخم خورده‌ای است که به لحاظ عاطفی تحت فشار است.

از مقایسه باید
پرهیز کرد. مقایسه
کردن، بیش از
آن که به فرد
امکان تخمین
فاصله‌ی خود را
تا مطلوب دهد،
احساس ناکامی،
عقب افتادگی
و شکست را
می‌دهد

«در این میان، بیازمند
فردی است که فقط
برایش حرف بزنند و
فقط شنیده شود»
نه نیاز به نصیحت
دارد، نه نیازی به راه
حل دارد، نه نیاز دارد
کسی برایش بگوید کجا
را اشتباه رفته است. تقریباً

همه را خود می‌داند. بدترین
وضع در این حالت این است که کسی
بخواهد اشتباهش را به رخ بکشد، سرزنش
کند و سرگوش کند بدترین جملات که همچون پتک
بر سرش کوبیده می‌شود، از این دست است:
«تقصیر خودت بود، اگر...»
«من اگر جای تو بودم...»
«حققت بود، بلکه...»
«چند دفعه بهتر گفتم...» و.....

سرزنش و تحقیر در کنار هم ظاهر می‌شوند. در
این رفتارها، عزت نفس فرد خدشه‌دار می‌شود، ناخواسته
حریم شخصی مورد تعرض قرار می‌گیرد و احساس
آسیب می‌بیند.

در تربیت سالم، جایی برای محاکمه، باز پرس،
سرزنش و تحقیر وجود ندارد. باید به طور حتم زبان را
در پرهیز از سرزنش و تحقیر، تمرین و ریاضت داد.

برجسب زدن

از دیگر خطاهای رایج در کلام و عمل اولیای
تربیتی، «برجسب زدن» است. منظور از «برجسب
زدن»، تعمیم دادن و نام گذاری و اطلاق «صفت منفی
روی رفتار مشخصی است که از کسی رخ نموده است.
مثلاً دانش آموز به واسطه عدم انجام تکلیف، برجسب
«تنبیل» می‌خورد لقبی که معنای وسیع‌تری دارد و
می‌تواند موقعیت‌های بی‌شماری را دربرگیرد.

سارا دانش آموزی سیزده ساله، نمره‌ی امتحان
ریاضی اش را کم شده بود. خانم معلم گفت: «این بار چه
عذر و بهانه‌ای داری؟» سارا توضیحاتش را داد. معلم گفت:

«یک کلمه از حرفاتو
ساز نمی‌کنم. همون
بهنه‌های همسنگی. تو
به دختر کم استعداد و
تنبیلی، تنبیلی مادرزادی
داری...»

اتفاق مهمی که در
برجسب زدن می‌افتد این
است که اگر این برجسب
توسط مراجع قدرت، یعنی افرادی
که در زندگی فرد مهم هستند، بکند
شود فرد آرام آرام آن‌ها را می‌پذیرد. اگر به کرات
آدم‌های مهم زندگی یک شخص، مثل پدر، مادر و معلم، لقبی
را به فرد نسبت دهند، حتی القابی که به نظر بیش از اندازه
به نظر می‌رسند، بعد از مدتی فرد می‌پذیرد که آن‌ها درست
می‌گویند. قاعده این جاست که پس از مدتی، فرد نقش‌های آن
برجسب را نیز می‌پذیرد و انجام می‌دهد و تبدیل به همان لقب
می‌شود. بچه‌ای که مدام می‌شود تنبیل و بی‌مسئولیت است،
این برجسب را می‌پذیرد و هر جا بر او افرادی وارد می‌شود،
نقش یک فرد غیرمسئول را ایفا می‌کند.

در تربیت، جایز نیست با دین یکی دو رفتار، از
لقاب و نام‌هایی برای تبیین آن رفتار استفاده شود. به
جای قضاوت کردن و نامی را برای عمل گیریش، می‌توان
فقط رفتار مشاهده شده را گزارش داد. به جای گفتن
«بی‌مسئولیت»، می‌توان گفت امروز بار چهارم است که
شما تکالیفت را انجام نداده‌ای، نه جای گفتن «خیال‌ناف»
می‌توان گفت، امروز دوبار سر کلاس متوجه شدم تمرکزت را
از دست داده‌ای و به موضوع دیگری فکر می‌کردی. به جای
«لایالی» می‌توان گفت، بار سوم است که احضار می‌دهم،
ضوابط پوشش مدرسه را رعایت نمی‌کنی و... **مشاهده‌ی
خود را انتقال دهید، نه قضاوت و ارزیابی تان را.**

در آخر دلم می‌خواهد این را بگویم. معلم قدرت مهمی
دارد! آن را دست کم نگیریم. با آن چه می‌گوید، یا تصویری
که از دانش آموز برایش ترسیم می‌کند، می‌تواند بذرها
شک و تردید یا اعتماد و اطمینان را در باره‌ی سرپوشش در
ذهنش بکار د مقایسه‌ها، تحقیرها، سرزنش‌ها و برجسب‌ها،
چه بسا به سرپوشش دانش آموز تبدیل شود.

میراث فرهنگی ایرانیان

فاطمه محمودیان

آشاره

«رشد آموزشی راهنمایی تحصیلی» تصمیم دارد، در هر شماره کتاب‌های مناسب را براساس موضوعات درسی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی به شما همکاران محترم معرفی کند.



○ **عنوان:** میراث فرهنگی ایرانیان به روایت موزه‌ی ملی ایران
○ **مؤلف:** زهره پریخ
○ **ناشر:** کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
(تلفن: ۸۸۹۶۴۱۱۵ و ۸۸۷۱۵۵۴۵ - ۰۲۱)
چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷، ۳۳۴ ص. مصور رنگی، ۱۵۰۰۰ تومان

کنو کاو و جست‌وجو در تاریخ، مانند سفری به گذشته‌های دور و نزدیک است. این کتاب، تاریخ تمدن ایرانی را براساس آثار موجود در موزه‌ی ملی ایران، برای شما بازگو می‌کند. معلمان عزیز به همراه دانش‌آموزان خود، با مطالعه‌ی کتاب حاضر می‌توانند، به دیدار مردمی بروند که قرن‌ها در سرزمین پهناور ما زندگی کرده‌اند. همچنین با شیوه‌ی زندگی این مردم آشنا می‌شوند و آثار به جا مانده از آن‌ها را از نزدیک می‌بینند.

تاریخ علم برای نوجوانان



سرچشمه‌های علم را باید در کهن‌ترین تمدن‌های جهان جست‌وجو کرد. مجموعه‌ی «تاریخ علم برای نوجوانان» را انتشارات محراب قلم در سال ۸۸-۱۳۸۷ در هفت جلد، چاپ کرده است. مترجم این مجموعه حسن سالاری است.
علم در اسلام، علم در یونان باستان، علم در چین باستان، علم در روم باستان، علم در مصر باستان، علم در بین النهرین، علم در ایران باستان عنوان جلد‌های این مجموعه هستند. با ناشر این مجموعه می‌توان از طریق شماره تلفن‌های ۸۰-۸۷۹۰۸۷۹-۶۶۴۹۰۲۱ ارتباط برقرار کرد.

بدون مقدمه، این چند حکایت دیروزی و امروزی را که از این طرف و آن طرف کُش رفته‌ایم، همراه با نتایج آن بخوانید!

احمد عربلو

تفسیر لبخند



استاد زبان انگلیسی

نقل است که روزی قوام‌الملک شیرازی، کنسول انگلیس را به مهمانی دعوت کرد. هنگام خوردن غذا و در کنار سفره، از آن‌جا که قوام اصلاً زبان انگلیسی بلد نبود، مدام با دست به پلو اشاره می‌کرد و به کنسول می‌گفت: «بکوره، بکوره!» یعنی بخور بخور! کنسول هم که از اشاری او منظورش را متوجه شده بود، پلو را خورد و با غلامت سر از قوام اظهار تشکر کرد. وقتی مهمانی تمام شد و کنسول رفت، نوکر متعلق قوام پیش او دوید و گفت: «قربان! شما که این قدر خوب زبان انگلیسی می‌دانید، از این به بعد نیازی به مترجم ندارید!» قوام آهی از ته دل کشید و با فخر و غرور گفت: «بله! ما این همه هنر داریم، اما افسوس که دولت قدر ما را نمی‌داند!» نتیجه‌ی هنری: بسیاری از ما هنرهایی داریم که کسی از آن‌ها خبر ندارد!



کاتب بدشانس

کاتبی بدخط با کاتبی دیگر می‌گفت: «خط من به حدی ناخواناست که صد دینار از مشتری برای نوشتن بستانم و صد دینار دیگر نیز از مخاطب برای خواندن!» کاتب دیگر آهی کشید و گفت: «افسوس که من از صد دینار دوم محروم هستم، چرا که خود نیز از خواندن نوشته‌ی خویش معذورم!» نتیجه‌ی والدینی: بعضی از پدر و مادرها بدخط هستند!

قیامت و تعطیلی

معلم مکتب‌خانه، برای کودکان از حوادث روز قیامت سخن می‌گفت. ناگاه کودکی برخاست و پرسید: - ای استاد! با این همه توصیفات، آیا در روز قیامت مکتب‌خانه‌ی ما هم تعطیل خواهد شد؟! نتیجه‌ی تاریخی: معلوم می‌شود، از زمان‌های خیلی خیلی دور هم کودکان عاشق درس و مدرسه بوده‌اند!

پرسش و پاسخ شعری!

آوردند که شاگردی از استاد پرسید، در این بیت خواجه حافظ که می‌فرماید: «کشتی شکستگانیم، ای باد شرطه برخیز شاید که باز بینیم، دیدار آشنا را» آیا نشستگانیم صحیح است یا شکستگانیم؟ استاد فرمود: بعضی نشسته خوانند، بعضی شکسته دانند چون نیست خواجه حافظ، معذور دار ما را نتیجه‌ی آموزشی: ای بابا! ولان کن عمو، تو بخوان، بمیر و بخوان! چه فرقی می‌کند؟



هوای پس!

می‌گویند: حیات خانم، همسر شاه اسماعیل صفوی بود و طبع شعری سرشار داشت. گویند او را رقیبی بود جهان‌بانو نام که او نیز دارای کمالات بود و در شعر نیز دست داشت. این دو همسر، اکثراً در حضور پادشاه به مناظره می‌پرداختند (چه رویایی!).

روزی شاه صفوی می‌خواست برود کشور عراق و شهر بغداد را از حکمران آن‌جا که ادعای استقلال کرده بود بازستاند جهان‌بانو به این مناسبت خدمت رسید و این شعر را خواند که:

تو پادشاه جهانی، «جهان» ز دست مده
که پادشاه جهان را «جهان» به کار آید!
حیات خانم که در آن مجلس حضور داشت، فوراً پیش
دوید و فی‌البداهه این شعر را سرود:

ترک غم جهان بکن تا ز «حیات» بر خوری
هر که غم جهان خورد کی ز حیات بر خورد

نتیجه‌ی اجتماعی: در این گرانی عجیب، «حیات» یا «جهان» پس است. اگر شود «یکی»، «دو تا» هوا پس است، هوا پس است! نتیجه‌ی تذکری: خیال نکنید این حکایت ربطی به مخاطبان این مجله ندارد! دارد!

شاگرد شکمو!

یکی از ناظمان نقل می‌کرد که در کوچی مدرسه، شاگردی را دیدم که زیر درپچه‌ای ایستاده بود و در دستش پارهای نان بود و بی لقمه از آن می‌کند و به درپچه نزدیک می‌کرد و می‌خورد!

بنده، از آن حرکت متعجب شدم. خواستم خط‌کش بیرون بیاورم و از آن طفل، نقل این ماجرای عجیب را باز پرسم که ناگهان دیدم پدر طفل سر رسید و به او گفت: «ای کودک جان، این‌جا چه کار می‌کنی؟ مگر نمی‌خواهی به مدرسه بروی؟ زودتر برو تا گرفتار رفیقان ناباب نگردی و مرا بیچاره نکنی.»

طفل گفت: «از این خانه بوی طعام به مشام می‌رسد، من نان خود را به بوی آن آشنا می‌کنم و می‌خورم!»

ناگهان پدر سخت در غضب شد، سیلی محکمی به او زد و گفت: «ای نادان! تو چنان شده‌ای که بی‌خورش نمی‌توانی نان بخوری! آن هم صبحانه؟! آخر از این پس من چگونه از عهده‌ی تو پسرک شکمو برآیم!»

نتیجه‌ی حقوقی: حکایت جعلی است.

نتیجه‌ی عاشقانه: وصف العیش، نصف العیش!

نتیجه‌ی ناظمانه: آقای ناظم! توی همین مدرسه بتوانی دانش‌آموز را کنترل کنی، کافی است! می‌گذاشتی آن طفل معصوم هم یک روز صبحانه‌ای مفصل می‌خورد!

شهریه

آموزگاری را شنیدند (البته در زمان‌های خیلی خیلی دور!) که به شاگردی ریاضیات یاد می‌دهد و چیزهایی می‌گوید که نه خود از آن سر درمی‌آورد و نه شاگرد! او را گفتند: «مرد حسابی! این چه درسی است؟!»

گفت: «پدر این طفل، دستمزد هر ماه مرا به ماه دیگر می‌اندازد. من نیز او را از مسئله‌ای به مسئله‌ی دیگر می‌اندازم تا هم‌چنان که من چیزی حاصل نکرده‌ام، او نیز چیزی حاصل نکند!»

نتیجه‌ی اخلاقی: واقعاً که خدا به دور!

سهراب، شاعر بار

اشاره

دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی با خواندن شعر «روشنی، من، گل، آب» در کتاب فارسی سوم، با سهراب سپهری آشنا می‌شوند و این جز آن است که سهراب یکی از مشهورترین و پرخواننده‌ترین شاعران امروز ایران است و بچه‌ها از همان سال‌های اول این دوره، کمابیش نامش را می‌شنوند و او را می‌شناسند.

سهراب یکی از شاخص‌ترین چهره‌های شعر نو و هم‌چون شاعرانی مثل مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفیعی کدکنی و طاهره صفارزاده و... سبک ویژه‌ای دارد که او را از شاعران دیگر متفاوت می‌سازد. با این مقدمه، جا دارد چنین شاعری بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و اشعارش تجزیه و تحلیل شود. اما نخست ببینیم سهراب کیست؟

رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی

زندگی سهراب

آن‌طور که سهراب سپهری خود در شعر بلند «صدای پای آب» گفته است: «اهل کاشان» بود. نیای بزرگ او میرزا محمد تقی خان لسان‌الملک سپهر، مورخ شهیر عصر قاجار و نویسنده‌ی تاریخ مشهور و مفصل «ناسخ‌التواریخ» بوده است. سهراب روزگار کودکی و نوجوانی را در کاشان گذراند. ولی بقیه‌ی عمر را بیشتر در تهران سپری کرد. او از نوجوانی نقاشی هم می‌کشید. از این‌رو به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و در رشته‌ی نقاشی مدرک گرفت. اما شعر امانند هر شاعر دیگری، به طور آزاد دنبال کرد. سهراب به شرق و غرب عالم هم سفرهایی کرد: به اروپا و آمریکا و به هند و ژاپن، که سفرهای او به شرق در وی بسیار مؤثر بود و بازتاب آن در شعرهایش به خوبی

دیده می‌شود. سهراب در نقاشی‌هایش علاقه‌مندی خاصی به کشیدن منظره و چشم‌اندازهای واحه‌ها و آبادی‌ها داشت. همین احساس در شعرهایش نیز به خوبی نمودار است:

ماه بالای سر آبادی است
اهل آبادی در خواب

روی این مهتابی، خشت غربت را

می‌بویم

باغ همسایه چراغش روشن

من چراغم خاموش

ماه تابیده به بشقاب خیابان، به لب

کوزه‌ی آب.

سپهری نخستین کتاب خود را با نام «مرگ رنگ» در سال ۱۳۳۰ منتشر کرد که تجربه‌های اولیه‌ی او در سرودن بود و اشعارش حال و هوای شعرهای نیما یوشیج را داشت. خوش‌یختانه او در این مرحله متوقف نشد و شعرش به تدریج تحول و

تکامل یافت. «زندگی خواب‌ها»، «آوار آفتاب»، «شرق اندوه»، «صدای پای آب»، «مسافر» و «حجم سبز» که بعداً همه به صورت یک جلد، با نام «هشت کتاب» درآمدند، نمودار این تحول و تکامل است.

سپهری در سال ۱۳۵۹، در پی ابتلا به بیماری سرطان، در سن ۵۲ سالگی درگذشت و به خاک سپردش، در صحن امامزاده سلطان علی، در اردبیل کاشان، به خاک سپرده شد.

شعر سهراب

درباره‌ی شعر سهراب سپهری چند نکته قابل توجه است:

یکی تخیل آزاد و جست‌وجوی رابطه‌ای منطقی و متعارف بین میان اشیا و مفاهیم به بیانی شاعرانه است. از این‌روست که سبک سهراب را با سبک هندی مقایسه کرده و به‌ویژه او

پاردهایی از چند شعر او را با هم می‌خوانیم:

مرا خواب کن زیر یک شاخه، دور از شب اصطکاک فلزات
و آن وقت

حکایت کن از بمب‌هایی که من خواب بودم و افتاد
حکایت کن از گونه‌هایی که من خواب بودم و تر شد
بگو چند مرغابی از روی دریا پریدند
در آن گیر و داری که چرخ زردپوش از روی رویای کودک گذر داشت
قناری نخ زرد آواز خود را به پای چه احساس آرامشی بست؟

نیمه شب باید باشد

دب اکبر آن است: دو وجب بالاتر از بام

آسمان آبی نیست، روز آبی بود

یاد من باشد فردا، بروم باغ حسن گوجه و قیسی بخرم

یاد من باشد فردا لب سلخ، طرحی از بزها بردارم

طرحی از جاروها، سایه‌هایش در آب

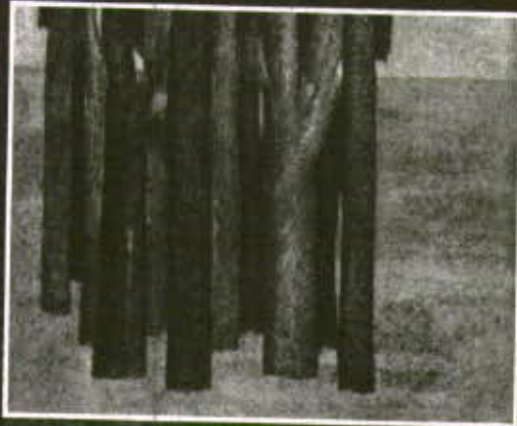
یاد من باشد، هرچه پروانه که می‌افتد در آب، زود از آب درآرم

یاد من باشد کاری نکتم، که به قانون زمین بریخورد

یاد من باشد فردا لب جوی، حوله‌ام را هم با چوبه بشویم

یاد من باشد تنها هستیم.

از شعر غریت



سهراب از شعر،
زمان و مردم
خاصی صحبت
نمی‌کند. او از
انسان و زندگی
حرف می‌زند و
به همین دلیل
وسیع است



زیرتویس

۱ و ۲. سهراب سپهری
شاعر - نقاش - به کوشش
لیلی گلستان وب، تهران:
انتشارات امیرکبیر، چاپ
چهارم ۱۳۶۸، ص ۳۹.

از نو می‌سراید: آب‌هایی که در عمق
خاک خشک این سرزمین پنهان‌اند. و
این آب با رنگ سبز آمیخته است و این
اتفاقی نیست که مجموعه‌ی زیباترین
اشعار او «حجم سبز» نام گرفته است.
سبز، رنگ نبوت محمدی و مظهر باروری
طبیعت است...»

فروغ فرخزاد نیز که خود با سهراب
ارتباط شعری و هنری داشت و در کارگاه
نقاشی او به مدت کوتاهی آموزش دید،
درباره‌ی شعر سهراب چنین نوشته است:
«سپهری با همه فرق دارد. دنیای
فکری و حسی او، برای من جالب‌ترین
دنیاهاست. او از شعر، زمان و مردم
خاصی صحبت نمی‌کند. او از انسان
و زندگی حرف می‌زند و به همین دلیل
وسیع است. در زمینه‌ی وزن راه خودش
را پیدا کرده است. اگر تمام تیروهایش
را فقط صرف شعر می‌کرد، آن وقت
می‌دیدید که به کجا خواهد رسید؟»

می‌شوند. مثالی در این مورد، قسمتی
از شعر «نواحه‌ای در لحظه» است که
چند مصراع آن را روی سنگ قبرش
نوشته‌اند:

به سراغ من اگر می‌آید

نرم و آهسته بیایید، مبدا که ترک
بردارد

چینی نازک تنهایی من،

در پایان، دو سخن کوتاه درباره‌ی
سهراب سپهری می‌آوریم که بعد از
مرگ او و در واقع در رئایش گفته شده
است. داریوش شایگان می‌نویسد:

می‌توان گفت که سهراب شاعر آب
است. اما نه آبی ساکن و راکد که مظهر
ژرفای ناآگاه است، بلکه آبی ساری و
شفاف؛ آبی که چون عنصر ازلی روح
را تطهیر می‌کند. آبی که کیمیای
دگرگونی‌هاست و در جویبارهای سرمست
باغ‌ها جاری است؛ انگار که شاعر، سرود
آناهیتا، حافظ جاودانی آب‌های ایران را

را با بیدل دهلوی، شاعر اواخر عصر
صفوی، در یک طراز قرار داده‌اند.
شادروان حسن حسینی در این زمینه
کتابی نوشته است به نام «سهراب
سپهری، بیدل و سبک هندی».

نکته‌ی دیگر در شعر سهراب،
تأثیرپذیری او از عرفان و مکتب‌های
شرق دور و گرایش او به عرفان بودایی
است. و همان‌طور که گفتیم، این امر
نتیجه‌ی سفرهای او به هند و ژاپن و
تأمل در مفاهیم و معانی مکتب‌های آن
نواحی جهان است.

و بالاخره سومین نکته، نحوه‌ی
بیان شاعرانه‌ی سهراب است که
مثل هیچ شاعر دیگری نیست شعر
سهراب، در عین حال که از بند ردیف
و قافیه آزاد است و در بعضی جاها به
نثر نزدیک می‌شود، اما کلمات طوری
انتخاب شده‌اند، که مجموعاً وقتی کنار
هم قرار می‌گیرند، آهنگین و دل‌نشین

مدرسهای جدید مبارک

اشاره

در شماره‌ی گذشته، با وبلاگ و کاربردهای آن آشنا شدید. همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، در این شماره گام به گام با روش ساخت وبلاگ آشنا خواهید شد. قبل از شروع، ذکر چند نکته لازم و ضروری به نظر می‌رسد:

اول آن که پیش‌فرض ما در این مقاله بر آن است که خوانندگان محترم با رایانه و نیز اینترنت آشنایی اولیه را دارند و حداقل به روش گشت‌وگذار در اینترنت مسلط هستند. ثانیاً از آن‌جا که مقوله‌ی وبلاگ‌ها بسیار وسیع و متنوع است، ما به جهت آموزش، روش ساخت برخی از این وبلاگ‌ها را به شما معرفی می‌کنیم. این امر به معنای تأیید همه‌جانبه‌ی شرکت‌های معرفی شده و یا رد سایر سرویس دهنده‌ها نیست.

ثالثاً در آموزش ساخت وبلاگ، روشی توضیح داده می‌شود که ممکن است در همه‌ی سرویس دهنده‌ها به آن شکل عمل نشود، اما خواهید دید که اگر روش ساخت وبلاگ را در یک سرویس دهنده فرا بگیرید، خودتان به راحتی می‌توانید در سایر سرویس دهنده‌ها هم به ساخت وبلاگ اقدام کنید.

کلیدواژه‌ها: وبلاگ، اینترنت، سرویس دهنده‌ها

علیرضا کاردانیپور

وبلاگ مجانی است یا پولی؟

شاید اولین سؤال و یا دغدغه‌ای که در ذهن علاقه‌مندان به ساخت وبلاگ به‌وجود بیاید، این سؤال باشد که آیا برای ساخت یک وبلاگ در اینترنت، باید هزینه‌ای پرداخت کنیم؟ جواب این سؤال هم مثبت است و هم منفی. در دنیای اینترنت، این امکان وجود دارد که شما وبلاگ خود را به‌صورت رایگان بسازید، البته سبب‌ترین علت افتال و توجه کاربران به مقوله‌ی وبلاگ، همین رایگان بودن سرویس‌های آن است! البته هستند کاربرانی که برخی از خصوصیات وبلاگ‌های رایگان را که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت، نمی‌پسندند و ترجیح می‌دهند برای ساخت وبلاگ هزینه‌هایی را متقبل شوند که به تفصیل به شرح آن خواهیم پرداخت.

وبلاگ مجانی!

در اینترنت، سرویس دهنده‌ها و یا به عبارتی سایت‌هایی وجود دارند که شما می‌توانید به رایگان و با استفاده از امکانات آن‌ها برای خودتان وبلاگ بسازید و بدون آن‌که هیچ هزینه‌ای بپردازید، به‌صورت روزانه مطالب جدید خود را

به وبلاگتان اضافه کنید. شاید این سؤال به ذهنش مسائلی شود که سرویس‌هایی که در اختیار شما قرار می‌گیرد، به چه دلیل رایگان است و یا به عبارت دیگر، شرکت سرویس دهنده چگونه هزینه‌های خود را تأمین می‌کند؟

بافتن پاسخ این سؤال چندان مشکل نیست. کافی است به سایت یکی از این سرویس دهنده‌ها مراجعه کنید و یا بعضی از وبلاگ‌های دیگران را مشاهده کنید. خواهید دید، تبلیغات اطراف صفحات سایت، مهم‌ترین منبع درآمد وبلاگ‌ها هستند و البته برخی از این سرویس دهنده‌ها از حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی ارگان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی نیز برخوردارند.

وبلاگ بازاریم

حالا می‌خواهیم یک وبلاگ بسازیم. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، شما به آشنایی با رایان‌های برنامه‌نویسی رایانه هیچ نیازی ندارید. کافی است کمی تایپ کنید و کلیک کردن بلد باشید!

قدم اول، انتخاب شرکت و یا به عبارتی سایت سرویس دهنده است. در اینترنت، سدها سایت سرویس دهنده برای

1995

راهنما

در این صفحه می‌توانید یک وبلاگ جدید تحت نام کاربری خود که تا آن وارد سایت شده‌اید ایجاد کنید. لینک وبلاگ می‌تواند فارسی و یا انگلیسی باشد. اما آدرس وبلاگ حتماً باید با حروف انگلیسی باشد و با استفاده از underline و and فاصله نیز در آن مجاز نمی‌باشد.

پس از نوشتن آدرس وبلاگ، تا زمانی که وبلاگ هنوز در حال ساخت است، در صفحه وبلاگ، از آدرس وبلاگ می‌توانید آدرس وبلاگ خود مطلع شوید.

تصویر ۴

تصویر ۵

شما نام کاربری و رمز در خواست می‌شود (تصویر ۳). اما به‌طور طبیعی، چون شما بار اولی است که به سایت مراجعه کرده‌اید، نام کاربری و رمز عبور ندارد بنابراین گزینه‌ی ثبت‌نام در پایین پلاک را انتخاب کنید.

در منوی جدید، باید موارد خواسته شده را به ترتیب وارد کنید. البته وارد کردن اطلاعات موردی الزامی است که کنار آن‌ها علامت شماره‌ی فرم دهنده می‌شود و وارد کردن سایر اطلاعات اختیاری است (تصویر ۴).

۱. در قسمت نام کاربری (username) که شما یا آن در این سایت ساخته می‌شوید، نام مورد نظر خود را وارد کنید. این نام مانند شماره حساب بانکی است که در بانکی خاص به شما اختصاص دارد و شماره‌ی شبیه به آن وجود ندارد. می‌توانید نام فامیلی خود یا هر نام دیگری را به عنوان نام کاربری برای خود انتخاب کنید. البته به شرطی این نام به شما اختصاص می‌یابد که کسی قبل از شما آن را برای خود انتخاب نکرده باشد. برای کنترل این موضوع، کافی است بعد از وارد کردن نام مورد نظر، گزینه‌ی «ایستادن در برابر...» را انتخاب کنید. اگر قبلاً کسی این نام را انتخاب کرده باشد، شما ناگزیر به انتخاب نام دیگری هستید.

۲. در کادر کلمه‌ی عبور (password) می‌توانید با وارد کردن رمز، به سیستم وارد شوید. این رمز مانند رمز کارت‌های بانکی است که شما علاوه بر داشتن کارت بانکی، باید شماره‌ی رمز آن را نیز داشته باشید. یا به حسابان دسترسی پیدا کنید. در این سایت نیز «ایستادن در برابر...» کلمه‌ی عبور شرط دسترسی به اطلاعات است. اگر رمز ورود طولانی باشد، مثلاً ۱۰ الی ۱۵ کاراکتر و ترکیبی از اعداد و حروف، امنیت بیشتری را فراهم می‌کند. از آن‌جا که در هنگام وارد کردن رمز، به خاطر ایجاد امنیت نسبی، به جای نمایش کاراکترها، دایره نشان داده می‌شود. لذا لازم است برای اطمینان بیش‌تر، دوباره رمز عبور را وارد کنید.

۳. در بخش بعدی، باید نام و نام خانوادگی خود را وارد کنید که البته این کار اجباری نیست.

۴. آدرس ای‌میل خصوصی، گزینه‌ی بعدی است که شما باید مثالی پست الکترونیکی با همان اسمیل خودتان را مقابل آن وارد کنید.

۵. سؤال امنیتی بخش بعدی است. معمولاً در سایت‌های گوناگون از شما خواسته می‌شود سؤالی را به عنوان سؤال امنیتی وارد و جواب آن را نیز مشخص کنید. کاربرد این

**شما به آشنایی با
زبان‌های برنامه‌نویسی
رایانه هیچ نیازی ندارید.
کافی است کمی تایپ
کردن و کلیک کردن بلد
باشید!**

پسوند نام وبلاگ شما قرار گرفته، همان نکته‌ای است که برخی از کاربران بدان تمایل ندارند و ترجیح می‌دهند برای وبلاگشان نامی مستقل داشته باشند. در این صورت، باید برای در اختیار گرفتن نشانی ویژه (دامنه)^۱ مقداری هزینه کنند

نکته‌ی دوم در مورد آدرس وبلاگ این است که نباید نشانی انتخابی شما را قبلاً کسی برای وبلاگ خود انتخاب کرده باشد. به عبارت دیگر، نباید نشانی شما تکراری باشد؛ همان‌طور که برای دو خانه نمی‌تواند یک نشانی پستی واحد وجود داشته باشد. با وارد کردن این دو گزینه و زدن کلید ایجاد وبلاگ، مرحله‌ی دوم ثبت وبلاگ به پایان می‌رسد

انتخاب شکل و قالب کلی وبلاگ

بعد از ساختن وبلاگ، نوبت به انتخاب شکل و قالب وبلاگ می‌رسد که منظور از آن، شکل نمایش نوشته‌ها و رنگ آن‌ها، شکل و طرح نمای صفحات وبلاگ، اندازه و شکل و رنگ کلیدهای وبلاگ و... است. افرادی که به کدنویسی آشنایی دارند، می‌توانند خودشان قالب مورد نظر را طراحی کنند. البته شرکت سرویس دهنده هم چندین قالب نمونه را در اختیار کاربر قرار می‌دهد. افراد تازه‌کار می‌توانند بر حسب علاقه و سلیقه‌ی خود، یکی از آن‌ها را انتخاب کنند. البته بعد از آن که به کار با وبلاگ‌ها مسلط شدید، می‌توانید از قالب‌های استفاده شده در سایر وبلاگ‌ها نیز استفاده و آن را به وبلاگ خود اضافه کنید.

مدرسه‌ی جدید مبارک!

با انجام سه مرحله‌ی فوق، شما صاحب یک مدرسه‌ی جدید شده‌اید. می‌توانید با تدبیر و مدیریت آن را به مدرسه‌ای فعال و پویا تبدیل کنید و با ارائه‌ی مطالب جذاب و آموزنده، کاری کنید که حتی روزهای جمعه و نیمه شب‌ها هم اطفال گریزپای به مکتب شما مراجعه کنند (تصویر ۵).

در پایان این قسمت، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که کار مهم‌تر از ساخت وبلاگ، افزودن مطلب و به روز نگه‌داشتن آن است. در قسمت بعد با روش افزودن مطلب به وبلاگ آشنا می‌شوید و برخی از وبلاگ‌های موفق در زمینه‌ی آموزش و پرورش به شما معرفی خواهند شد.

زیرنویس

1. Domain

سؤال برای مواقعی است که اگر شما حیثاً رمز ورودتان به سایت را فراموش کردید، بتوانید با استفاده از سؤال امنیتی و پاسخ دادن به آن، وارد سایت شوید؛ سؤالاتی مانند نام پدر، غذای مورد علاقه، شغل مورد علاقه و... برخی از این سؤالات هستند.

۶. بخش پاسخ در واقع پاسخ به سؤال امنیتی است که شما متناسب با سؤال انتخاب شده، جواب مورد نظر را وارد می‌کنید.

۷. در بخش کد امنیتی، باید نوشته‌ای را که در کادر مستطیلی هاشور خورده می‌بینید مجدداً وارد کنید. این کد در واقع راهکاری امنیتی برای جلوگیری از حمله‌های هکرها به سایت‌های اینترنتی است که در این مجال فرصت پرداختن به آن وجود ندارد.

۸. و در مرحله‌ی آخر، باید توافق‌نامه را تأیید کنید. توافق‌نامه در حقیقت قوانین و مقررات و حقوق طرفینی است که شما مانند یک قرار داد، آن را مطالعه می‌کنید و در صورت قبول شرایط سایت سرویس دهنده، آن را می‌پذیرید. بدیهی است تا موقعی که این توافق‌نامه را نپذیرفته‌اید، امکان راه یافتن به سایر مراحل را ندارید!

معرفی مشخصات کلی وبلاگ

بعد از پشت سر گذاشتن مرحله‌ی معرفی مالک وبلاگ، نوبت به معرفی مشخصات وبلاگ می‌رسد. این بخش بسیار ساده و کوتاه است (تصویر ۴).

عنوان اولی که باید انتخاب و معرفی کنید تیتَر وبلاگ است. تیتَر وبلاگ نامی است که به‌عنوان نام وبلاگ خود انتخاب می‌کنید. شما در انتخاب این نام کاملاً آزادید اما بخش دوم، نشانی وبلاگ است. آدرسی شبیه به نشانی سایت‌های اینترنتی است که دیگران با داشتن آن می‌توانند مستقیماً به وبلاگ شما مراجعه و از مطالب آن استفاده کنند. اما در مورد نشانی وبلاگ، دو نکته وجود دارد: نکته‌ی اول این که در نشانی سایت‌های اینترنتی، شما سه بخش را وارد می‌کنید: بخش اول شیوه یا پروتکل ارتباطی، بخش دوم نام سایت و بخش سوم پسوند سایت مثل نشانی www.roshdmag.it است که در آن www همان شیوه‌ی ارتباط، roshdmag نام سایت و it پسوند سایت است. اما در وبلاگ‌های رایگان، نشانی وبلاگ شما چهار بخشی است؛ مانند نشانی www.roshdmag.persianblog.ir که در آن نام شرکت سرویس دهنده به عنوان پسوند نام وبلاگ اضافه شده است. در واقع این که نام سرویس دهنده به عنوان

ترجمه‌ی طیبه الدوسی

آموزش و پرورش در

پاکستان

اشاره

ساختار آموزش رسمی در پاکستان

در دوره‌ی پنج‌ساله‌ی آموزش ابتدایی، کودکان ۵ تا ۹ ساله آموزش می‌یابند. بعد از دوره‌ی ابتدایی، دانش‌آموزان دوره‌ی سه‌ساله‌ی راهنمایی تحصیلی و دوره‌ی دو ساله‌ی دبیرستان را می‌گذرانند. سپس یک دوره‌ی دو ساله‌ی مدارس عالی وجود دارد که به‌عنوان آموزش دانشگاهی محسوب می‌شود. سه موازات این نظام آموزشی جدید، نظام آموزشی مذهبی سنتی نیز فعال است که آموزش‌های دین اسلام را براساس قرآن، حدیث، حقوق اسلامی، منطق و غیره ارائه می‌دهد. در سطح ابتدایی، «مکتب» به آموزش و حفظ قرآن و انتقال آموزه‌های دینی و بعد از آن «دارالعلوم» به آموزش پیشرفته در مورد ابعاد متفاوت آموزش اسلامی می‌پردازد. این دو با هم ساختار سازمانی آموزش مذهبی را تشکیل می‌دهند. به‌منظور فراهم آوردن تلفیقی اثربخش از نظام آموزش مذهبی با نظام آموزش رسمی، تلاش‌هایی برای معرفی موضوعات جدید در نظام دارالعلوم صورت گرفته است. فارغ‌التحصیلان این مؤسسات فاضل نامیده می‌شوند.

پاکستان، با کشورهای افغانستان و جمهوری خلق چین از سمت شمال و با هندوستان از سمت شرق و جنوب شرقی و با ایران از سمت غرب، هم‌مرز است. پاکستان چهار استان به نام‌های پنجاب، سند، مرزی شمال غرب و بلوچستان دارد و با پختونستان، مرزی ملی آن‌ها «اردو» است و پنجابی، سند، پشتو و بلوچی، زبان‌های محلی آن‌ها به‌شمار می‌آید. زبان انگلیسی در تعاملات تجاری، قانونی و رسمی آن‌ها به‌طور گسترده‌ای به کار می‌رود. هم‌چنین، به‌عنوان زبان آموزش در دانشگاه‌ها و مدارس عالی از آن استفاده می‌شود. برای ارتقای سواد، تلاش‌هایی در جهت همگانی کردن آموزش پایه از طریق تهیه‌ی تسهیلات آموزش اولیه برای کودکان و برپایی برنامه‌ی آموزش بزرگ‌سالان از طریق مؤسسات آموزشی رسمی و غیررسمی صورت گرفته است. کلیدواژه‌ها: زبان اردو، نظام آموزشی، مدارس

که صلاحیت لازم را برای تدریس به عنوان معلم دینی در مدارس متوسطه دارند.

تأمین نیروی انسانی برای نظام آموزشی

در پاکستان، تدریس شغل چندان مطلوبی نیست. اکثر فارغ التحصیلانی که به حرفه‌ی تدریس می‌پیوندند، سابقه‌ی دانشگاهی ضعیفی دارند. بنابراین، مؤسسات آموزشی قبل از خدمت و ضمن خدمت، باید کاملاً مجهز و دارای کادر آموزشی مناسبی باشند تا در ارتقای علمی معلمان نقش مؤثری داشته باشند.

در پایان برنامه‌ی آموزش معلمان ابتدایی دو نوع گواهی صادر می‌شود: گواهی آموزش ابتدایی و گواهی آموزش. اجرای هر دوی این برنامه‌ها یک سال تحصیلی به طول می‌انجامد. برنامه‌ی آموزش ابتدایی مخصوص معلمان پایه‌ی اول تا پنجم دوره‌ی ابتدایی است. برای پذیرش در دوره‌ی آموزش ابتدایی، داشتن دیپلم (دوره‌ی ۱۰ ساله) ضروری است. دوره‌ی بعد، یعنی دوره‌ی آموزش، معلمان را آماده می‌کند تا بتوانند تمام دروس به اتمام زبان انگلیسی را تا پایه‌ی هشتم تدریس کنند. برای پذیرش در این دوره، داوطلبان باید دوره‌ی ۱۲ ساله‌ی مدرسه (فوق دیپلم) را طی کرده باشند. برنامه‌ی درسی دوره‌ی تربیت معلم توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه می‌شود.

دو نوع برنامه برای تربیت معلمان دبیرستان وجود دارد: یک دوره‌ی یک‌ساله بعد از لیسانس یا یک دوره‌ی سه ساله بعد از فوق دیپلم. پذیرش در دوره‌ی یک‌ساله، نیازمند داشتن لیسانس یا فوق لیسانس از هر دانشگاه معتبر است. ارتقای حرفه‌ای معلمان حائز شرایط به عهده‌ی «دفاتر برنامه‌ی درسی و مراکز توسعه» است. چهار نوع برنامه‌ی آموزش ضمن خدمت وجود دارد:

۱. آموزش به کارکنان آموزش تدبیر به‌طور تماموقت (همراه با حقوق) در یک دانش‌سرای مقدماتی.
 ۲. برنامه‌ی فشرده‌ی سه‌ماهه.
 ۳. دوره‌های بازآموزی کوتاه‌مدت که توسط دفاتر برنامه‌ی درسی و مراکز توسعه ارائه می‌شوند.
 ۴. سرمایه‌گذاری خصوصی محدود مانند مرکز تأمین معلم در کراچی که توسط «بنیاد آقاخان» حمایت می‌شود و در مورد اصول برنامه‌ریزی شده برای معلمان بخش‌های خصوصی و عمومی، دروس کارگاهی ارائه می‌دهد.
- هم‌چنین، مؤسسه‌ای برای ارتقای آموزش علوم در اسلام‌آباد تأسیس شده است که معلمان علوم را آموزش می‌دهد و می‌کوشد برنامه‌ی درسی پژوهش‌محور و بسته‌های

آموزشی برای بهبود آموزش علوم را توسعه دهد. در اسلام‌آباد یک دانشگاه ملی تربیت معلم فنی وجود دارد که معلمان را در دانشکده‌های فنی و فناوری آموزش می‌دهد.

نظام آموزشی طبقاتی:

تحصیلات و دو دستگی در پاکستان

آموزش در پاکستان براساس طبقه‌ی اجتماعی-اقتصادی به دو نوع تقسیم شده است. زبان آموزش شاخص هزینه‌ی تحصیلی محسوب می‌شود. مدارس به زبان محلی متناسب با طبقات کارگری و پایین‌تر از متوسط هستند و مدارس انگلیسی زبان برای طبقات متوسط و بالاتر در نظر گرفته شده‌اند.

مدارس اردو زبان

در مدارس اردو زبان، دانش‌آموزان و معلمان از طبقه‌ی پایین‌تر از متوسط هستند. اغلب دانش‌آموزان از راه دور به مدرسه می‌آیند که این کار برای آن‌ها هم مشکل و هم ناامن است. اغلب مدارس با در و پنجره‌های آبی رنگ و شیشه‌های شکسته، مکان‌های خیلی ملال‌آوری هستند. این مدارس خیلی خشک و بدون انعطاف، با معلمان دوره نذیدی خود، دانش‌آموزان را به حفظ کردن عبارت‌های بدخط یا مطالبی که بد چاپ شده‌اند و یا کتاب‌های نامفهوم، وامی‌دارند.

بعد از طی دوره‌ی ده‌ساله‌ی تحصیل، دانش‌آموزان در امتحاناتی شرکت می‌کنند که توسط شوراهای آموزش راهنمایی و متوسطه برگزار می‌شود. اغلب برگه‌های امتحانی به زبان اردو هستند و از طریق زبان انگلیسی هم دانش‌آموزان غریب می‌شوند.

دارالعلوم

در این مدارس، شاگردان از روحانیون درس می‌گیرند و روی حصر به صورت نیم‌دایره در اطراف معلم خود می‌نشینند. زبان آموزش، زبان اردوی پنجاب است. در این مدارس، امتحانات به زبان اردو و عربی برگزار می‌شوند.

دولت پاکستان اخیراً دستور شورایی شدن آموزش دارالعلوم را رسماً صادر کرد. دولت قصد دارد مؤسساتی را تأسیس کند که تحت نظر شورای مدیران، برنامه‌ی درسی آن‌ها تحت نظارت دولت درآید. اغلب پاکستانی‌های تحصیل کرده و آزادی‌خواه، از تلقیق «اسلام و آموزش جدید» حمایت می‌کنند.

در پاکستان دارالعلوم از طریق خیرات اداره می‌شود. از زمانی که این مدارس توانسته‌اند، به‌طور رایگان برای دانش‌آموزان غذا، لباس، کتاب، دفتر و حتی شغل فراهم

در پاکستان،
تدریس شغل
چندان مطلوبی
نیست. اکثر
فارغ التحصیلانی که
به حرفه‌ی تدریس
می‌پیوندند،
سابقه‌ی دانشگاهی
ضعیفی دارند.
بنابراین، مؤسسات
آموزشی قبل
از خدمت و
ضمن خدمت،
باید کاملاً مجهز
و دارای کادر
آموزشی مناسبی
باشند تا در ارتقای
علمی معلمان نقش
مؤثری داشته باشند.

مورد پاکستان، تحقیقات اسلامی و زبان اردو را حتی برای این دانش‌آموزان اجباری می‌سازد، اما آن‌ها نسبت به زبان اردو نفرت نشان می‌دهند و افتخارشان این است که در مورد آن چیزی نمی‌دانند. این موضوع در حده بیگانگی آن‌ها را با فرهنگشان نشان می‌دهد.

تحلیل و نتیجه

دارالعلوم که برای فقیرترین و حاشیه‌ای‌ترین مردم در نظر گرفته شده است، افراد متعصب تربیت می‌کند، مدارس اردو زبان نیز که برای مردم فقیر بنا شده، تنوع اندک سکوولار، و مذهبی ملی‌گرا، این مدارس هم افرادی متعصب، ولی با تمدنی کمتر از هم‌نماهای خود در مدارس دارالعلوم تربیت می‌کنند. دانش‌آموزان انگلیسی‌زبان که تعدادی در دانشکده‌های افسری و بیشتر در مدارس نخبه‌گرای انگلیسی زبان آموزش می‌بینند، حداقل در زمانی که تئوری مدرسه را نمی‌بینند، با دغدغه‌های پاکستانی‌های دیگر و عادی بی‌گانه هستند. در واقع، آن‌ها فرهنگ بومی، هویت بومی، ارزش‌های بومی و حتی زبان‌ها و ادبیات کشور خود را حقیر می‌شمارند. به‌طور می‌رسد آن‌ها پاکستان را کنار گذاشته‌اند و مایل اند زندگی‌شان را در خارج از کشور بپسارند. هرچند این دانش‌آموزان در فعال‌های مذهب و تقویدهای جنسی حساسیتی نشان نمی‌دهند، ولی در مورد طیفی اجتماعی تعصب دارند. به‌علاوه وقتی که بزرگ می‌شوند، اگر به تصمیم‌گیرندگان قدرتمند دولت تبدیل شوند، خط‌مشی‌های خشکی را برای تأمین منافع مؤسساتی، طبقاتی یا سلسله‌ای برقرار می‌کنند.

باید اذعان داشت، این قطعی شدن که توسط دولت تحمیل و تقویت می‌شود، انواع متفاوت نظام مدرسه‌ای را یا سه‌پایه‌ای کاملاً متفاوت ایجاد می‌کند. یکی از شاخص‌های تفاوت بین مدارس، هزینه‌ی هر دانش‌آموز در هر سال تحصیلی است.

به‌طور خلاصه، دولت خود به آموزش نخبه‌گرای بیش از آموزش دیگر گروه‌ها یارانه تخصیص می‌دهد. به‌علاوه، تفاوت بین درآمد عموم مردم خیلی زیاد است که این باعث می‌شود، امکان تحصیل برای همه فراهم نباشد. بنابر این تحصیل به‌طور مستمر نشان می‌دهد، قطعی شدن در طبقه‌ی اقتصادی اجتماعی، به معنی قطعی شدن در چنان‌بسی است. و این می‌تواند رنگ خطری برای جامعه‌ی پاکستان باشد. دولت باید روی فقر سرمایه‌گذاری کند. بهترین سرمایه‌گذاری روی آموزش است، ولی آموزشی که بردباری و ارزش‌های اساسی را ارتقا بخشد. راه رسیدن به این هدف، ایجاد نظام آموزشی دقیق و عادلانه است و این فقط در صورتی اتفاق می‌افتد که پاکستان یک نوع آموزش داشته باشد. به حد نوع قطب آموزشی.

آورند، مردم فقیر بسیاری را جذب کرده‌اند. فقر موجب می‌شود که آن‌ها فکر کنند چرا باید در یک جامعه‌ی به اصطلاح مذهبی، مورد ظلم قرار گیرند. بنابر این حس می‌کنند خود باید عدالت را برقرار سازند و می‌کوشند با تعصب قراوان و با نام اسلام، علیه نظام ناحق و ظالم بجنگند.



مدارس انگلیسی زبان

این مدارس به سه دسته تقسیم شده‌اند: عادی، نخبه‌گرا، و عمومی و دانشکده‌های افسری. مدارس عادی، امکاناتی برای افراد معمولی-طبقه‌ی متوسط و پایین‌تر از متوسط- فراهم می‌آورند. گاهی آموزش در این مدارس که باید به زبان انگلیسی باشد، به دلیل عدم توانمندی معلمان و شاگردان به زبان اردو انجام می‌شود. در مدارس دسته‌ی دوم، معلمان و دانش‌آموزان در محیط‌های غیررسمی مثل سفر خارجی و غیره، بیشتر از هم‌نماهای خود در مدارس دیگر در معرض برخورد با زبان انگلیسی قرار می‌گیرند. در مدارس دسته‌ی سوم که مدارس عمومی و دانشکده‌ی افسری نامیده می‌شوند، بیش‌تر برای سرآمدن قدرت امکانات تهیه می‌شود. در بعضی موارد، شهره‌ی بخش‌هایی از نیروهای مسلح کم‌تر از غیرنظامی‌هاست. خط‌مشی رسمی دولت این است که بول مردم برای مدرسه خرج شود که زبان اردو (یا سندی)، زبان آموزش آن‌هاست، ولی مشاهده می‌شود که برخلاف خط‌مشی تعیین شده، بودجه‌ی دولتی بیش‌تر برای شاگردان ممتاز مدارس ممتاز (انگلیسی‌زبان) صرف می‌شود. این موضوع به نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی که همیشه در جامعه‌ی پاکستان وجود داشته است، تداوم می‌بخشد.

مدارس خصوصی نیز وجود دارند که به غرضه‌ی آموزش انگلیسی به قیمت گزاف مبادرت می‌ورزند. این مدارس در محیط‌های دانشگاهی در سراسر کشور گسترش یافته‌اند و دانش‌آموزان را برای امتحانات پیشرفته آماده می‌کنند.

روش‌های تدریس در این مؤسسات جدیدتر، نوآورتر و جالب‌تر از مدارس اردو زبان و دارالعلوم است. کتاب‌های آن‌ها در خارج چاپ می‌شوند، مصورند و دانش عمومی‌تری را در قالب کتاب درسی ارائه می‌دهند. برای آموزش انگلیسی، ادبیات انگلیسی به شکل خلاصه شده به کار می‌رود. هم‌چنین، تاریخ جهان به جای مطالعات پاکستان آموزش داده می‌شود. هر چند امتحانات آموزش سطح عادی، مطالعه‌ی تحففات در

منابع

1. Globalization, Modernization and Education in Muslim Countries/ Rukhsana Zaib editor, New York, Nova Science Publishers, Inc., 2006.
2. The International Encyclopedia of Education (2nd Edition) Editors in chief Torsten Husen, T. Neville Postlethwaite, Vol. 7, Oxford: Pergamon, 1994.

درمجله‌ی رشد نوجوان چه خبر؟

نوجوان

در مجله‌ی رشد نوجوان ۲، آبان‌ماه ۱۳۸۸، خوانندگی‌های مفید دیگری برای شاگردانمان تدارک دیده شده است. از جمله:

✓ ایران ما، یک مقاله‌ی تصویری درباره‌ی شهر مسجد سلیمان و دیدنی‌های آن.

✓ حکایت آن ابر قدرت، مطلب طنز درباره‌ی توطئه‌های آمریکا علیه ایران، به‌ویژه ماجرای گروگان‌گیری و حادثه‌ی صحرای طبس.

✓ نامه‌ای از آینده، اشاره‌ای خلاق به موضوع بحران آب در سال‌های آتی و اهمیت صرفه‌جویی در مصرف این مایه‌ی حیات.

✓ کارگاه داستان، یک داستان علمی تخیلی درباره‌ی موجودات فضایی و توضیحاتی درباره‌ی فوت و فن داستان‌نویسی که در این شماره به «ساختن داستان» اختصاص یافته است.

✓ دل‌کندن از دل‌بستگی‌ها، مقاله‌ای خواندنی درباره‌ی اهمیت انشاق در راه خدا و نقش آن در رستگاری فردی و اجتماعی.

✓ گام به گام تا سلامت اندام، نکاتی درباره‌ی پیشگیری از ناهنجاری‌های اسکلتی شایع در میان نوجوانان.

✓ در انتظار یک بهار باشکوه، میزگردی درباره‌ی رابطه‌ی انسان و خدا.

✓ تجربه‌ها، مطلب طنز و مصوّر درباره‌ی تجربه‌اندوژی و مشورت با دیگران.

✓ آینده‌های روبه‌رو، مقایسه‌ی دو شعر خوب درباره‌ی خدا از زنده‌یاد قیصر امین‌پور و شهرام رحب‌زاده.

✓ جنول، سرگرمی، خاطره و...

یادمان باشد، اگر خواهان نشاط علمی در کلاس درس و پیامدهای مثبت آن هستیم، تشویق‌های ما به مطالعه، تأثیر اساسی دارد.

ضمیمه‌ی تشکر از همکاری که به سوالات مطرح شده در شماره‌ی قبلی مجله‌ی رشد آموزش ریاضی پاسخ داده‌اند و با توجه به اهمیت موضوع تغییر این نامه‌ی ارزشمندی تحصیلی و تربیتی دوروی ریاضی تحصیلی، همکاری که جامع‌ترین پاسخ‌ها را به سوالات زیر بدهند. از سوی دفتر آموزش پژوهش ریاضی تحصیلی تقدیر خواهند شد.

۱. در ارزشیابی پایه سوالات باید از چه ویژگی‌های مهمی برخوردار باشند؟

۲. درباره‌ی ارزشیابی گروهی و اثرات آن، چه نظری داریم؟

۳. همکاری گروهی، پاسخ خود را به دفتر مجله ارسال کنید.

پرسش‌مسئله‌لان، پاسخ‌شما

مسئله



طیبه رحیمی

عکاسی

در این شماره، دومین سخت راجع به آموزش مفهومی عکاسی را می‌گیریم. همان‌طور که وعده داده بودیم، این بار راجع به نور محیط در هنگام عکاسی، مطالبی را ذکر خواهیم کرد. به طور کلی، هنگام عکاسی، دقت به زاویه‌ی نور محیط، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این حالت نوردهی متفاوت را بررسی و به شما توصیه‌هایی می‌کنیم:



نکته‌ی اول: رو به نور

اسنادی ترین، کارآمدترین و در عین حال ساده‌ترین حالت در مواجهه با نور، رو به نور بودن است. اگر منبع نوری شما فلاش، چراغ آبی، پنجره یا نور خورشید باشد، بهتر است موضوع عکس را طوری در برابر دوربین قرار دهید که رو به آن‌ها باشد.

هنگام عکاسی از چهره، فنر را در حالی قرار دهید که کمترین سایه‌ی راند روی صورتش بیفتد. اگر از فلاش استفاده می‌کنید، موضوع کاملاً رو به نور است. گاهی است که دوربین نگاه کند می‌توانید موضوع را رو به پنجره قرار دهید و خودتان پشت به پنجره بایستید. عکس بگیرد. در نور روز هم بهتر است به همین ترتیب عمل کنید. یعنی شما به عنوان عکاس، پشت به نور خورشید بایستد و موضوع را به سمت نور بگردانید. برای نمونه، در عکس شماره‌ی ۱ دانش‌آموزان رو به نور و در عکس شماره‌ی ۲، پشت به نور ایستاده‌اند.



نکته‌ی دوم: نورپردازی چهره با نور پنجره

این روش نوعی نورپردازی ساده و قابل دسترس است که به قوام کادر و حالت چهره کمک خواهد کرد. در عکس‌های مقابل سعی شده است، تصویرهایی از نور زاویه‌ی متفاوت به عنوان نمونه‌ی این نوع نورپردازی در اختیار شما قرار گیرد (عکس‌های شماره‌ی ۳ و ۴).

نکته‌ی سوم: پشت به نور

بهر است هیچ‌گاه موضوع شما پشت به نور نباشد. چه در نور روز و چه در فضای بسته. با وجود این، اگر به دلالی مجبور شدید موضوع را پشت به نور قرار دهید، از فلاش استفاده کنید (عکس شماره‌ی ۵). در این عکس، منبع نور، پنجره‌ی پشت‌سر دانش‌آموزان و نور فلاش از روبه‌روی آن‌هاست.

در غیر این صورت، چهره تاریک می‌شود و عکس شما کارایی لازم را نخواهد داشت (عکس شماره‌ی ۶). منبع نور، فقط پنجره‌ی پشت سر است.



دانش‌آموزان
راهمایی
نحسینی



دفتر انتشارات کمک آموزشی

استاد آن لاین

ریحانه جعفری

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- + **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- + **رشد نوآموز** (برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- + **رشد دانش‌آموز** (برای دانش آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- + **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- + **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش دانشگاهی)

مجله‌های عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- + رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی،
- رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا، رشد مدیریت
- مدرسه، رشد معلم

مجله‌های تخصصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- + رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) + رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره‌ی متوسطه) + رشد آموزش قرآن + رشد آموزش معارف اسلامی + رشد آموزش زبان و ادب فارسی + رشد آموزش هنر + رشد مشاور مدرسه + رشد آموزش تربیت بدنی + رشد آموزش علوم اجتماعی + رشد آموزش تاریخ + رشد آموزش جغرافیا + رشد آموزش زبان + رشد آموزش ریاضی + رشد آموزش فیزیک + رشد آموزش شیمی + رشد آموزش زیست‌شناسی + رشد آموزش زمین‌شناسی + رشد آموزش فنی و حرفه‌ای + رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

- + نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- + تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

تجولات پرشتاب جامعه‌ی بشری به سوی فناوری اطلاعات امری بدیع و حائز اهمیت است. انقلاب در فناوری نحوه‌ی تفکر و کارکرد ما را در فعالیت‌های روزمره تغییر داده و سبب ایجاد تحولات عظیمی در امر آموزش گردیده است. سایت استاد آن لاین (ostadonline.com) همگام با پیشرفت علم، گامی بلندتر در جهت آموزش الکترونیکی در کشور برداشته است و با راه‌اندازی پرتال آموزشی کارآموزان کام، و در اختیار گرفتن مربیان مجرب و کارآزموده و امکانات کمک آموزشی دیداری و شنیداری پیشرفته در این زمینه فعالیت دارد.

سایت استاد آن لاین یک سایت آموزش از راه دور است. کلیه‌ی مباحث این سایت در زمینه‌ی آموزش فناوری اطلاعات، و شامل هفت مهارت استاندارد ICDL و همچنین دوره‌های دیگری است که شما می‌توانید مطالعه نمایید. نحوه‌ی استفاده از سایت به این صورت است که فرد دوره‌ی مورد نظر خود را انتخاب و مباحث هر دوره را که فصل‌بندی شده‌اند مطالعه می‌کند.

نحوه‌ی تدریس به صورت متن، عکس و Multimedia (چند رسانه‌ای) است. به این طریق که کاربر متن را مطالعه و بر روی لینک نمایش روش کار می‌تواند کلیک کند. آن چه در متن گفته شده است در لینک نمایش روش کار، به صورت متحرک با صدا نمایش داده می‌شود.

در این سایت، تعدد رشته‌های آموزشی به روز، دستیابی رایگان به آموزش، آزمون و اساتید، کسب یک مدرک معتبر جهت ورود به بازار کار، حضور در کلاس درس مجازی با امکانات واقعی، بخشی از امکانات جدید پرتال کارآموز می‌باشد. سایت آموزش مجازی استاد آن لاین به نشانی:

<http://www.ostadonline.com> در اختیار شماست.



برگ اشتراک مجله های رشد

شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ای درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک با پست سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

• نام مجله های درخواستی :

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:
- استان: شهرستان:
- خیابان: پلاک:
- کد پستی:

• در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

سؤال از شما

خوستان! مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، یکی از رسالت‌های خود را تسهیل ارتباط شما همکاران محترم با مسئولان ستادی آموزش و پرورش می‌داند. شما می‌توانید، سؤالات خود را درباره‌ی مسائل و مشکلات آموزش و پرورش، برای دفتر مجله ارسال کنید تا در اختیار مسئولان مربوط قرار گیرد. امید است مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی بتواند با همکاری مسئولان محترم، این امر مهم را محقق سازد. پس سؤال از شما، رساندن آن به مسئولان از ما (مجله)، منتظر سؤالات شما از مسئولان هستیم.

پاسخ از مسئولان

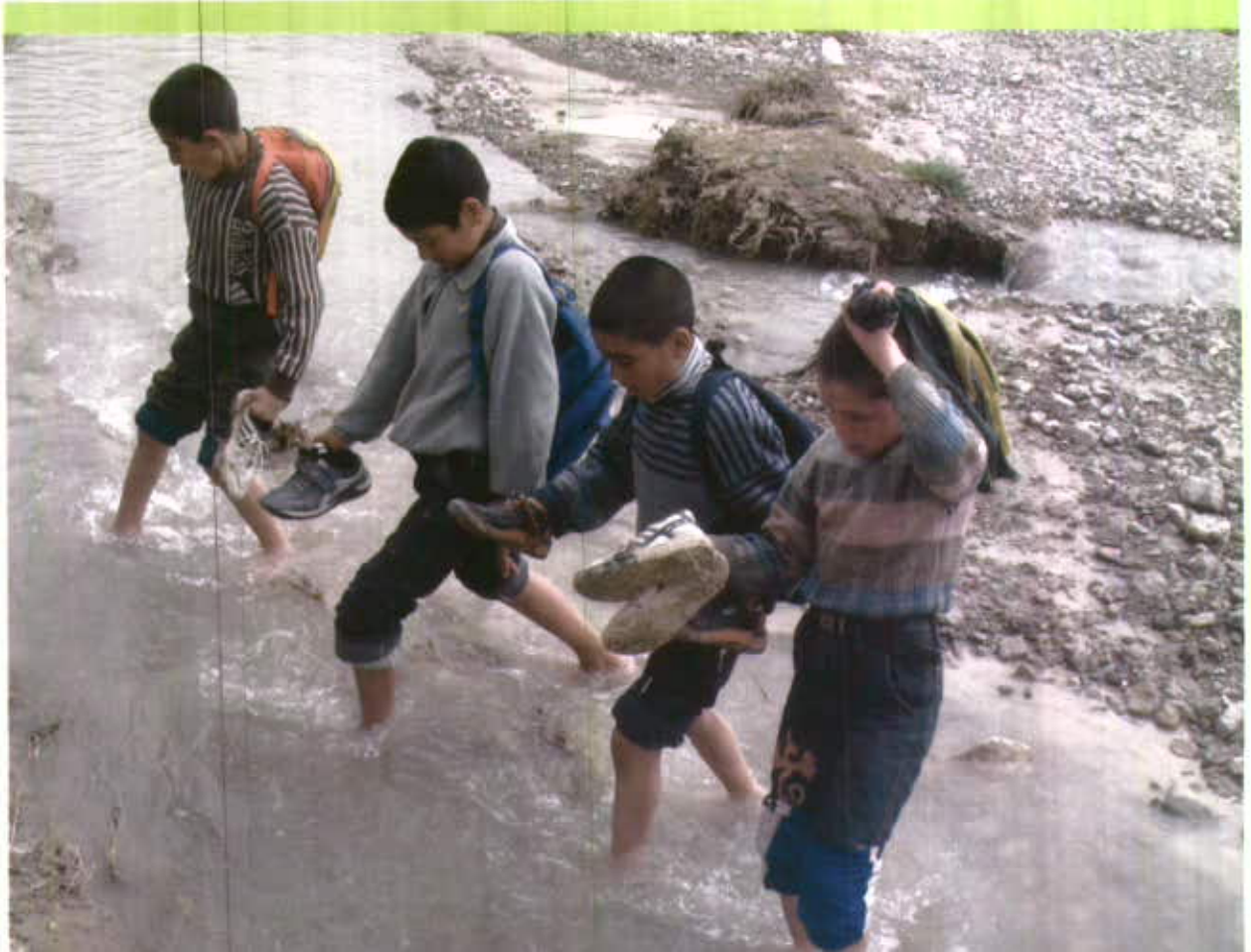
- صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
- صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- نشانی اینترنتی: www.roshdmag.ir
- پست الکترونیک: [Email: info@roshdmag.ir](mailto:info@roshdmag.ir)
- شماره مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰
- پیام گیر مجله های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.

من تشنه‌ی حضور بهارم
بهاری که ارمغان آهنگ جاری آب‌هاست

عکاس: مینا خلیلیان



پایه ماشه

مونا لسانی گویا

کارشناس طراحی صنعتی

عکاس: طیبه رحیمی

● ساخت پایه ماشه

وسایل لازم: قالب، چوب، روغن و با وازلین، کاغذ باطله، کاسه‌ی پلاستیکی، آب، قلم‌مو، رنگ‌های روغنی و یا محلول در آب و کتلر.

● مراحل کار

۱. یک نا دو قاشق غذاخوری چوب خوب را با مقداری آب مخلوط می‌کنیم. کاغذ باطله‌ی خرد شده را داخل آن می‌ریزیم و می‌گذاریم تا کاملاً خیس شود (حورده‌های کاغذ باید داخل آب شناور باشند).

۲. تمام سطح قالب را با وازلین و با روغن به‌طور یکنواخت چرب می‌کنیم.

۳. یک لایه از کاغذهای اغسته به آب و چوب خوب را روی قالب می‌جسبانیم؛ به‌طوری‌که تمام سطح قالب پوشیده شود. بعد از خشک شدن لایه، لایه‌ی جدید را اضافه می‌کنیم. این کار تا ۶ لایه ادامه می‌یابد. هنگام جسابندن نگه‌های کاغذ باید آن‌ها را صاف و یکدست کنار هم قرار دهیم تا سطح کار بعد از خشک شدن، بدون یستی بلندی و یکدست باشد.

۴. بعد از خشک شدن لایه‌ی آخر، قالب کاغذی اساده شده را از قالب اصلی جدا می‌کنیم.

۵. روی سطح به دست آمده، به شکل دل‌خواه نقاشی می‌کنیم و بعد از خشک شدن، روی آن یک لایه کتلر می‌زنیم تا نفس آن ثابت شود و در اثر تماس با آب، آسیب نبیند.

● پایه ماشه چیست؟

پایه ماشه، واژه‌ای فرانسوی است و در فرهنگ لغت به معنی کاغذ فشرده شده آمده است. معمولاً به اسبابی گفته می‌شود که سطح آن‌ها به وسیله‌ی نگارگری ترنس و یا لاک مخصوص پوشش یافته است. سابقه‌ی این هنر که در گذشته به آن نقاشی روغنی و یا لاک و یا قلمدان‌سازی می‌گفتند، چندان روشن نیست. لیکن از آثار موجود در موزه‌ها چنین استنباط می‌شود که این هنر از دوره‌ی صفویه به ایران راه یافت و به موازات سایر انواع صنایع دستی، سکن گرفت و کامل شد.

از این روس برای ساخت اسبابی کوچک مانند قلمدان، جلد کتاب، قاب آینه و... استفاده می‌شد. فروش و استفاده‌ی مراکز عمده‌ی تولید محصولات پایه‌ماشه بوده‌اند. نقش‌های محال‌سنگار و رزم، نذهب با خطوط اسلیمی و خنایی، گل سرخ و گل و برگ‌های ساده‌دار طبیعی، فرآورده‌های تولیدی پایه‌ماشه را زینت می‌داده‌اند.

از این روس قالب‌گیری برای ساخت هرگونه محصولی که دارای تماس مستقیم با آب نیست و به تحمل وزن زیاد نیز احتیاج ندارد، می‌توان استفاده کرد. بسک بودن، امکان نقاشی مستقیم روی سطح تولید شده و ارزان بودن و در دسترس بودن مواد لازم برای تولید، از مزایای آن است.

از قلمدان‌سازان معروف در دوره‌ی قاجار می‌توان از میرزا ابوالقاسم طباطبائی، مسپه‌دی حسن تهرانی، عبدالحسین مقواساز اصفهانی و کریم مقواساز نام برد.

